

سیاست ترکیه در اقلیم کردستان و آینده سیاسی عراق

دکتر مالک ذوالقدر^۱ سید رشید کاظمی پیرسرا^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۶

چکیده:

سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان تغییرات چشمگیری را به خود دید. گرچه نباید از این نکته غافل شد که این تغییرات با توجه به ماهیت متغیر نظام بین‌الملل مقطعی بوده است. با به قدرت رسیدن دولت اسلام‌گرای ترکیه در سال ۲۰۰۱ سیاست نگاه به شرق و همگرایی با کشورهای اسلامی و منطقه و تنش‌زدایی با همسایگان به اولویت دستگاه دیپلماسی و چراغ راهنمای سیاست خارجی آنکارا تبدیل شد. استراتژی «تنش صفر با همسایگان» در راستای پیشبرد این سیاست از سوی احمد داود اوغلو مطرح شد. سیاست تنش صفر با همسایگان که ناشی از نگرانی‌ها و نیازمندی‌های استراتژیک آنکارا بود به سرعت و پس از تغییرات محیطی به خصوص شکل‌گیری اعتراضات مردمی در خاورمیانه و جهان اسلام کارویژه خود را از دست داده و دولت ترکیه با توجه به شرایط جدید سیاستی را در منطقه دنبال کرد که نه تنها فرسنگ‌ها با به صفر رساندن تنش با همسایگان فاصله دارد بلکه عمدتاً به تنش‌های موجود با همسایگان بخصوص عراق، سوریه و تا حدودی ایران دامن می‌زند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ترکیه، ترکیه، کردستان عراق، تعاملات، منافع

- استادیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، شبکه علوم سیاسی، زنجان، ایران
malek_zolghader@yahoo.com

- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران
pashid_prisara@yahoo.com

مقدمه:

به موازات استمرار تنش میان حکومت اقلیم کردستان عراق و دولت مرکزی بغداد در مورد تقسیم منابع هیدروکربنی در شمال عراق، ترکیه در صدد ایجاد اتحادی نامتعارف با حکومت اقلیم کردستان برآمده است. این سیاست آنکارا را می‌توان به قمار و بازی خطرناکی تشبیه کرد که خود متأثر از استلزامات بالقوه سیاست خارجی این کشور می‌باشد. سیاست نزدیکی بیش از پیش آنکارا به حکومت اقلیم کردستان عراق بی‌تردید بر سرنوشت سیاسی کردهای ترکیه و بر هم زدن معادلات سیاسی میان حکومت آنکارا و کردها تأثیرگذار خواهد بود. اما با این تفاسیر همچنان مشاهده می‌شود که اراده حاکم در ترکیه بر محور گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی با کردستان عراق قرار دارد. در واقع از اوایل سال ۲۰۰۹ دیدگاه و رویکرد آنکارا نسبت به حکومت اقلیم کردستان (KRG) چرخشی جدی داشته است. در رویکرد جدید دیدگاهی حاکم شده است که بر خلاف گذشته از هرگونه انتقاد و اتهام نسبت به رهبر حکومت اقلیم کردستان عراق مبنی بر در اختیار گذاشتن قلمرو کردستان عراق برای پیکارجویان کرد که ترکیه را هدف حمله قرار می‌دهند فاصله گرفته است. طی سال‌های گذشته آنکارا همواره حکومت اقلیم کردستان عراق را به حمایت از حزب کارگران کردستان ترکیه (PKK) متهم می‌کرد. از این رو زمانی که آنکارا رسماً اعلام کرد که خواهان برقراری رابطه با حکومت اقلیم کردستان عراق است این سؤال به ذهن بسیاری خطور کرد که چرا ترکیه به دنبال برقراری رابطه با رهبران کرد عراقی است. این موضوع از آنجا پیچیده‌تر می‌شود که به اعتقاد سیاستمداران پیشین و کنونی ترکیه، رهبران کرد عراق به دنبال ایجاد حکومت مستقل کردی هستند. در این مقاله برآنیم به بررسی مؤلفه‌ها و دلایل اصلی تأثیرگذار بر تغییر رفتار سیاسی آنکارا در قبال حکومت اقلیم کردستان عراق علیرغم چالش‌های احتمالی پردازیم. (کندال عصمت و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۹)

اهمیت مسئله

کشته شدن دوازده سرباز ترکیه در یک حمله نیروهای پ.ک.ک و به اسارت گرفته شدن هشت سرباز دیگر در یک شبیخون این نیروها، روابط ترکیه و کردها را وارد مرحله جدیدی کرده است. به نظر می‌رسد با اشغال عراق و شکل‌گیری فدرالیسم در این کشور، فشار اتحادیه اروپایی بر ترکیه، در زمینه رعایت حقوق فرهنگی اقلیت کرد، کردهای ترکیه را بر آن داشته است تا برای کسب امتیازات بیشتر از ترکیه تلاش کنند. با پیش آمدن شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، مساله کردها بار دیگر موجبات دل‌نگرانی مقامات ترک را فراهم کرده است. نظر به عدم انعطاف و تساهل ناپذیری ترکها در قبال استقلال طلبی کردها، این گزارش در پی تحلیل روابط ترکیه و کردها می‌باشد.

درک مساله کردها در ترکیه

برای درک بهتر مساله کردها در ترکیه، ابتدا لازم است به برخی از آمار بیشتر دقت کنیم. این داده‌ها به ما کمک می‌کنند تا نگرانی ترکیه را در مورد مساله اکراد بهتر درک کنیم. کردها بزرگترین قومیت فاقد پرچم سیاسی در جهان هستند و نیمی از کردهای جهان در ترکیه ساکن می‌باشند. کردها حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت ۷۰ میلیون نفری ترکیه را تشکیل می‌دهند. حدود دوسوم کردهای ترکیه در جنوب شرقی و شرق ترکیه (موسوم به کردستان ترکیه) سکونت دارند. کردستان ترکیه با مساحتی حدود ۲۳۰ هزار کیلومتر مربع، ۳۰ درصد از خاک ترکیه را اشغال کرده است. ۹۰ درصد از جمعیت کردستان ترکیه، کرد هستند. فقط ۱۰ درصد جمعیت این منطقه غیر کرد (اعراب، ارمنه، ترک‌ها و علوی‌ها) می‌باشند. کردها در ۱۴ استان ترکیه (از قبیل: حکاری، وان، آغری، قارص، سیرت، تبلیس، موشی، دیار بکر، بینگول، تونجلی (درسیم)، ماردین، اورفا، آدیامان و آلازیغ و...) اکثریت جمعیتی را تشکیل می‌دهند. (علی میرنیا، ۴۴:۱۳۶۸)

در سال‌های اخیر، دولت ترکیه به جمعیت ۱۰ تا ۱۵ میلیونی کردهای این کشور اعتراف کرده است (در حالی که قبلا به کلی منکر هویت کردی بود)، اما گروه‌های

افراطی کردی رقم ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر را برای جمعیت کردهای ترکیه ذکر می‌کنند. ولی منابع بی طرف به جمعیتی در حدود ۲۰ میلیون نفر کرد در ترکیه اشاره دارند. برخی از تحلیل‌گران مدعی‌اند که نرخ زاد و ولد در میان کردهای ترکیه حدود دو برابر متوسط نرخ زاد و ولد در کل ترکیه است. این موضوع به شدت موجب نگرانی مقامات آنکارا شده است. (میرنیا، ۱۳۶۸) علاوه بر این، موضوع مهاجرت کردها نیز مزید بر علت شده و نگرانی نخبگان سیاسی ترکیه را مضاعف کرده است. مهاجرت کردها از شهرهای شرقی و جنوب شرقی ترکیه به مناطق غرب و جنوب غربی باعث تغییر بافت جمعیتی بسیاری از شهرهای ترکیه (خصوصاً حاشیه شهرهای بزرگ) شده است؛ شهرهایی مانند ازمیر، آدانا، استانبول، آنکارا و... به محاصره کردهای مهاجر درآمدند. پدیده «محاصره شهرها توسط کردها»، موجبات نگرانی بیشتر ترک‌ها را فراهم کرده است. در مورد علل مهاجرت کردها، تحلیل‌گران مختلف عموماً به سه دلیل اصلی اشاره کرده‌اند:

۱. سخت‌گیری‌های ترکیه بر کردها در جنوب و جنوب شرق این کشور؛

۲. پیدا کردن کار و جست‌وجوی شرایط بهتر زندگی؛

۳. فرار از درگیری‌های داخلی بین ارتش و کردها در مناطق جنوب شرق.

مهاجرت کردها باعث شده است که در حال حاضر استانبول ۲/۵ میلیون کرد را در خود جای داده باشد و لقب پرجمعیت‌ترین شهر کردنشین جهان را به خود اختصاص دهد. آنکارا، پایتخت ترکیه، جمعیت یک میلیون و ۴۵۰ هزار نفری کرد را داراست.

تفاوت کردها و ترک‌ها به لحاظ زبانی-نژادی و مذهبی، باعث شده است تا ناسازگاری بین این گروه قومی و دولت ترکیه بیشتر شود. زبان کردی متعلق به گروه زبان‌های ایرانی (هندی - ایرانی) است، اما زبان ترکی متعلق به گروه زبان‌های ایقوری (فینو-

ایقوری) است. این دو زبان وجه مشترک کمی دارند. (میرنیا، ۱۳۶۸:۴۴) به لحاظ مذهبی حدود ۸۵ درصد کردهای ترکیه شافعی و ترک‌ها عمدتاً حنفی مذهب هستند.

نتیجه این تفاوت‌ها، ناسازگاری مداوم و مستمر دولت ترکیه و کردها بوده است که گفته می‌شود تا به حال حدود ۳۰ الی ۴۰ هزار کشته بر جای گذاشته است. این تفاوتها و تمایزها باعث شده که ترکیه در برابر مساله کردها به شدت ناشکیب و خشن جلوه کند. گویی ترکها در ضمیر ناخودآگاهشان هراسی وصف ناپذیر از تجزیه طلبی کردها دارند و هر چه این تفاوتها برجسته‌تر می‌شود، ترس ترکها نیز بیشتر می‌شود.

آنچه در بالا گفته شد، تنها به بعد داخلی مساله کردها در ترکیه پرداخته است. لازم به ذکر است که این مساله دارای یک بعد بین‌المللی نیز می‌باشد که آن بعد، هراس ترکیه را افزایش می‌دهد. از بعد خارجی، کردها در داخل مرزهای چهار کشور همسایه پراکنده شده‌اند و به نظر می‌رسد وضعیت کردها در هر یک از این چهار کشور، تأثیر بسزایی در کشورهای دیگر خواهد داشت. در این میان ترکیه در موقعیت بسیار ضعیف-تری قرار دارد و احساس خطر بیشتری می‌کند، چون ترکیه از یک طرف تحت فشار اتحادیه اروپایی است تا حقوق سیاسی و فرهنگی کردها را به رسمیت بشناسد و از طرف دیگر حدود یک سوم از ترک‌های مقیم اروپا (که کرد می‌باشند)، به نوبه خود این فشارها را تشدید می‌کنند. از طرف دیگر وضعیت کردهای عراق، فعالیت‌های اسرائیل در این منطقه و پناه بردن بسیاری از اعضای پ.ک.ک به شمال عراق، خطر تجزیه ترکیه را افزایش داده است.

سیر تاریخی فعالیت کردها در ترکیه

به لحاظ تاریخی، سیر فعالیت کردها را در ترکیه می‌توان به شش دوره متمایز تقسیم بندی کرد که ذیلا به اختصار به این دوره‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در زمان امپراتوری عثمانی: این امپراتوری متشکل از گروه‌های مختلفی بود که عمده‌ترین ملاک تمایز آنها مذهب بود. احساس بیگانگی و یا غریبگی در میان مردمی که به یک مذهب تعلق داشتند، چندان چشمگیر نبود. یکی از دلایل اساسی چنین احساسی این بود که مردمان این مناطق در روستاهای دور از هم به سر می‌بردند و با یکدیگر ارتباط نداشتند؛ این امر در خصوص کردها صادق است. کردها در دوران فرمانروایی عثمانی از نظر تاریخی و جغرافیایی از دیگر ساکنان منطقه آناتولی جدا شده بودند. (آیت محمدی، ۱۳۸۲) کوه‌های مرتفعی محل سکونت کردها را احاطه کرده بود و همین امر مانع از ارتباط این گروه با دیگر ساکنان منطقه آناتولی می‌شد. ملی‌گرایان کرد در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، در سازمان‌ها و محافل مختلف پراکنده بودند و هر کدام به طور جداگانه فعالیت می‌کردند. در این سال‌ها بود که گروه روشنفکران و دانشمندان کرد ظهور کردند و نخستین افراد این گروه‌ها همگی ریشه اشرافی داشتند. (میرنیا، ۱۳۶۸: ۴۴) اولین مجله کردی به نام «کردستان» را مدحت بدرخان بیگ در سال ۱۸۹۸، منتشر کرد. این مجله به عنوان تریبونی، افکار ناسیونالیست‌های کرد را منعکس می‌کرد. علاوه بر این، عده‌ای دیگر از ملی‌گرایان کرد در حزب اتحاد و ترقی، که در سال ۱۸۸۹ تأسیس شده بود، (آیت محمدی، ۱۳۸۲) در کنار ملی‌گرایان ترک فعالیت می‌کردند. این دوره را می‌توان دوره همزیستی مسالمت‌آمیز ملی‌گرایی نام نهاد. با انقلاب ترک‌های جوان در سال ۱۹۰۸، کردها نیز با الهام از افکار مشروطه‌خواهی و لیبرالیستی، اقدام به تشکیل باشگاه‌ها و محافل فرهنگی و سیاسی نمودند. کردها در سال ۱۹۰۸ «جمعیت تعالی و ترقی کردستان» را بنیان نهادند و متعاقب آن جمعیت دیگری را که سرشت مردمی‌تری داشت، بنام «جمعیت نشر معارف کرد» تأسیس کردند. این دوره ۱۰ الی ۱۵ ساله را می‌توان دوران طلایی فعالیت‌های اولیه ملی‌گرایی کرد بر شمرد، چرا که مقدمات تشکیل سازمان‌ها و محافل سیاسی و فرهنگی متعدد کردی در دوره‌های بعدی، در این دوران طلایی مهیا شد و از همه مهمتر اینکه ملی‌گرایی کرد به صورت مسالمت‌آمیزی با ناسیونالیسم ترک و عرب به فعالیت می‌پرداخت. (کندال عصمت و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹)

۲. دوره شورش و قیام: مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)، که جنگ‌های استقلال ترکیه را فرماندهی می‌کرد، به نقش حساس کردها در این جنگ واقف بود. از این رو با دادن وعده‌های زیاد به کردها، حمایت آنها را جلب، اما در سایه پیروزی‌های چشمگیر مصطفی کمال، براساس معاهده لوزان، دولت نوین ترکیه تحت حاکمیت کمالیسم به رسمیت شناخته شد. در این معاهده تنها اشارات محدودی به حمایت از حقوق اقلیت‌ها به چشم می‌خورد. در مواد ۴ و ۵ آن تصریح شده بود که منظور از اقلیت‌ها، اقلیت‌های غیرمسلمان و مسیحی می‌باشد و کمالیست‌ها اینگونه استدلال می‌کردند که کردها چون در حکومت با ترک‌ها برابرند در نتیجه جزء اقلیت‌ها محسوب نمی‌شوند. (نوری پاشا، بی‌تا) بدین وسیله مقدمات جدایی کامل بین کمالیسم به عنوان نماینده پان‌ترکیسم و ملی‌گرایی کرد فراهم شد. ممنوع شدن مظاهر هویت کردی از جمله زبان و پوشش، تمامی نیروهای ملی و مذهبی را وادار به عکس‌العمل نمود و از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۹، در اثر سخت‌گیری‌های دولت ترکیه یک سلسله شورش‌هایی در میان کردها علیه دولت مرکزی ترکیه به وقوع پیوست. شورش شیخ سعید پیران، قیام آزارات و قیام درسیم از مهمترین شورش‌های این دوره هستند. دولت مرکزی ترکیه با واکنش‌های سخت و خشن، کلیه شورش‌های صورت گرفته را سرکوب کرد. (آیت محمدی، ۱۳۸۲)

۳. دوران فعالیت آرام کردها (از جنگ جهانی دوم تا کودتای ۱۹۸۰)، در سال‌های اواخر دهه ۱۹۴۰، کم‌کم ترکیه از سیستم تک حزبی به سیستم چند حزبی گام نهاد و در انتخابات ۱۹۵۰، برای نخستین بار احزاب مختلف برای کسب قدرت، بعد از حاکمیت کمالیسم بر ترکیه، به رقابت پرداختند. در این مقطع، دولت رویه ملایم‌تری نسبت به کردها اتخاذ کرد و تا حدودی آموزش و تعلیمات دینی در مدارس مجاز شناخته شد و در سال‌های اواخر این دهه نخست‌وزیر ترکیه، کردها را به خاطر خدمات در ارتش ستود. (بثوارالیمما، ۱۳۷۸: ۵۸)

نتیجه انتخابات پارلمانی ۱۹۵۰، شکست حزب حاکم یعنی جمهوری‌خواه خلق و پیروزی حزب تازه‌تأسیس «دموکرات» بود. بنیانگذار این حزب، عدنان مندرس، به عنوان

نخست‌وزیر جدید ترکیه به قدرت رسید. حامیان این حزب از گروه‌های متنوعی بودند که کردها نیز از جمله این گروه‌ها به حساب می‌آمدند. حزب دموکرات خود را مخالف قوی سیستم اقتصادی عمدتاً دولتی ترکیه و طرفدار سیستم اقتصادی آزاد معرفی کرد. (جی مارتین، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

کردها همگی به حزب دموکرات رأی دادند و این عکس‌العملی در مقابل سرکوب کردها از جانب سیاست‌کمالیست‌ها بود. تعدادی از کردها به مجلس ملی ترکیه راه پیدا کردند و کرسی‌های کابینه را به دست گرفتند. مهمتر از آن، حزب دموکرات به خان‌ها و شیخ‌های تبعید شده اجازه داد به شهرها و روستاهای خودشان در کردستان بازگرداند. (میرنیا، ۱۳۶۸) در حقیقت حزب دموکرات به مبادله‌ای با رهبران سنتی در کردستان دست زد، زیرا آنها تعداد وسیعی از آراء محلی را در کنترل داشتند و می‌توانستند از طریق پیروانشان به حزب کمک کنند و در مقابل نیز به جایگاه‌های قبل از تبعید باز گردند. بنابراین، مواضع رهبران سنتی هم در مقابل حکومت مرکزی و هم در مقابل جمعیت محلی تقویت شد. (آیت محمدی، ۱۳۸۲)

در دهه ۱۹۶۰، احزاب و حرکت‌های چپی متعددی در ترکیه شکل گرفت که هر کدام به نحوی حرکت‌های کردی را تحت تأثیر قرار دادند؛ از جمله این احزاب چپی، حزب کارگران ترکیه بود که تا حدی سیاست‌های تمرکز گرایانه و نیز شیوه برخورد با اقلیت‌ها را به باد انتقاد می‌گرفت. (نوری پاشا، بی‌تا) این حزب در انتخابات ۱۹۶۵ توانست کرسی‌های زیادی را در مجلس به دست آورد. این حزب در آغاز همانند بسیاری از احزاب مارکسیستی دیگر موضع مشخص و روشنی در قبال مسأله کردها در ترکیه نداشت، اما از آنجا که معدودی از کردها در این حزب مشارکت داشتند، با تصدی رهبری حزب توسط یکی از آنها به نام محمدعلی اصلان در سال ۱۹۶۹، چرخشی در سیاست‌های این حزب در قبال مسأله کردها به وجود آمد و برای اولین بار در کنگره چهارم خود، آشکارا هویت کردی را به عنوان یک اقلیت ستم‌دیده که طی چند دهه از طرف حکومت مرکزی نادیده انگاشته شده است را به رسمیت شناخت.

(جی مارتین، ۱۳۸۳:۲۳۲). این خط‌مشی گام بسیار مهمی در راستای شناخت جنبش کردی در ترکیه بود؛ چرا که برای اولین بار یک حزب سیاسی رسمی ترکیه، بعد از چند دهه موجودیت کردها را به رسمیت می‌شناخت. (نوری پاشا، بی تا)

کردها در قبال وعده اجویت مبنی بر توسعه اقتصادی و فرهنگی کردستان، از وی و حزب‌اش حمایت کردند. با به قدرت رسیدن اجویت فضای نسبتاً دموکراتیک دهه ۱۹۶۰ بار دیگر به جامعه برگشت و اکثر زندانیان سیاسی آزاد شدند. در این سال‌ها به دلیل بعضی اختلافات از جمله عدم تأکید بر شناسایی قومی کردها از طرف چپ ترکی و نگرش آنها به قومیت کرد به عنوان عامل مهم اتحاد، علی‌رغم برخی مشترکات در زمینه انقلاب اجتماعی و رفورم در جامعه، چپ ترکی و چپ کردی از هم جدا شدند و کردها تشکلهای جداگانه‌ای را بنیان نهادند.

در سال ۱۹۷۶، گروه‌های چپ‌گرای متعددی در میان فعالان کرد پایه‌ریزی شد که از آن جمله می‌توان به گروه چپ‌گرایی که مجله «رزگاری» افکار و عقاید آنها را تبلیغ می‌نمود اشاره کرد. اما برجسته‌ترین و مؤثرترین سازمان چپ‌گرای کردی در دهه ۱۹۷۰، که در اوج فعالیت‌های چپی در ترکیه ظهور کرد، حزب کارگران کردستان یا پ.ک.ک بود. این حزب در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد و در همان سال اعضای این گروه، اتحادیه دانشجویان آموزش عالی میهن‌پرستان دموکراتیک آنکارا را سازماندهی می‌کردند و چارچوب فعالیت آنها بیشتر در راستای شناساندن هویت، زبان و فرهنگ کردی بود. (نوری پاشا، بی تا)

در مجموع می‌توان گفت که در این دوران، یعنی از جنگ جهانی دوم تا کودتای ۱۹۸۰، نظام سیاسی ترکیه علی‌رغم به وجود آمدن فضای نسبتاً دموکراتیک، هرگونه فعالیت سیاسی، ادبی و فرهنگی کردها را تحمل نمی‌کرد و همواره از شکل‌گیری هرگونه حرکت سیاسی و فرهنگی از طرف کردها جلوگیری می‌شد. از طرف دیگر و با توجه به بافت سنتی و عشیره‌ای کردستان که هنوز ریشه‌کن نشده بود، حرکت‌های کردی

نتوانست در میان عامه مردم نفوذ کند و صرفاً به حوزه‌های روشنفکری و دانشجویی محدود می‌شد. (آیت محمدی، ۱۳۸۲)

۴. پیدایش پ.ک.ک و رادیکال شدن حرکت‌های کردی: گرچه تعدد ریشه‌های داخلی و خارجی ناراضیتی در کردستان ترکیه موجب پیدایش گروه‌های متعدد شبه نظامی و چریکی در کردستان بوده است، اما بدون تردید حزب کارگران کردستان، خشن‌ترین، افراطی‌ترین و موفق‌ترین جنبش کردی بوده است که در عمر جمهوری ترکیه در صحنه مبارزات مسلحانه کردستان این کشور ظاهر شده است.

بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌های پ.ک.ک، که در واقع اهداف سیاسی این حزب را بازگو می‌کنند، روشن و مشخص نیست و همواره تحت تأثیر فضا و شرایطی بوده که در زمان صدور بیانیه سطره داشته است. (آیت محمدی، ۱۳۸۲) در این بیانیه‌ها، اهداف مختلف و متناقضی اعلام شده است که عبارتند از: تأسیس کشور کردستان متشکل از کردهای ترکیه، عراق و ایران. استقلال کامل کردهای ترکیه، تأسیس یک دولت فدرال کردی که تحت حمایت دولت مرکزی ترکیه بوده و تأمین‌کننده حقوق برابر کردها - ترک‌ها باشد و تأمین خودمختاری فرهنگی - سیاسی کردها در محدوده تمامیت ارضی ترکیه.

این دوره یکی از دوره‌هایی بود که حزب سازماندهی مجدد شد و گسترش سیاسی یافت و آموزش‌های نظامی و تدارک آن برای تبعیدی‌ها جهت شعله‌ور ساختن جنگ بلندمدت در کردستان ترکیه، شکل گرفت. در طی تابستان ۱۹۸۴، پ.ک.ک تشکیل بریگادهای آزادسازی کردستان را اعلام کرد و از پایگاه‌هایی در شمال عراق، حملاتی را علیه واحدهای ارتش ترکیه و ایستگاه‌های پلیس واقع در روستاهای جنوب شرقی انجام داد.

ارتش ترکیه با فرستادن واحدهای مسلح سنگین به کردستان عکس‌العمل نشان داد اما در تلاش برای دستگیری چریک‌های پ.ک.ک که اقدام به این حملات می‌کردند موفق نبود. حملات چریک‌های پ.ک.ک تشدید شد و در می ۱۹۸۸، پ.ک.ک تشکیل

ائتلاف گسترده‌ای از نیروهای «جبهه ملی آزادی بخش کردستان» (ERNK) را اعلام کرد. این سازمان تحت تسلط پ.ک.ک بود. در سال ۱۹۸۸، بیش از هزار نفر در نتیجه مسائل و درگیری‌های کردستان کشته شدند. خشونت‌ها به شدت تداوم یافت و بدین ترتیب در همان سال برخوردهای شورشیان با نیروهای امنیتی، ۱۴۰ نفر کشته شدند. (آیت محمدی، ۱۳۸۲)

۵. جنبش کردی بعد از جنگ خلیج فارس: بعد از جنگ خلیج فارس و سرکوب شورش کردها از جانب ارتش عراق، به ابتکار جان میجر، نخست‌وزیر انگلیس، ایجاد منطقه امن در نواحی کردنشین شمال عراق، در جهت حفاظت از جمعیت غیرنظامی ساکن در این منطقه، از آزار و اذیت حکومت مرکزی عراق پیشنهاد شد. این ابتکار، محدوده‌ای را که در سرزمین عراق به مرزهای ترکیه و ایران محدود می‌شد، برای مردم کرد در نظر گرفت و به شدت تحت نظارت و مدیریت دقیق سازمان ملل متحد قرار داد و شرکت‌کنندگان در اجلاس سران جامعه اروپا در لوگزامبورگ آن را مورد تصویب قرار دادند. در همان سال آمریکا قدم دیگری برداشت و از عراق خواست که به عملیات نظامی در شمال مدار ۳۶ درجه خاتمه دهد. این مدار شامل بخشی از سرزمین کردی در عراق، از مرز ترکیه تا خطی در جنوب موصل می‌شد. همزمان آمریکا به عراق هشدار داد که اگر عراق علیه تلاش‌های تأمین آسایش بین‌المللی برای آوارگان کرد دخالت نظامی کند، آمریکا از زور استفاده خواهد کرد. در هفدهم آوریل ۱۹۹۱، نیروهای متحدین و دیگر کشورهای اروپایی، تحت عنوان «عملیات تأمین آسایش»، برای ایجاد منطقه امن که امکان بازگشت کردها را فراهم می‌کرد، در شمال عراق دخالت کردند و اعلام شد که منطقه امن تحت حفاظت سربازان متحدین قرار دارد. مناطق امن شمال عراق زمینه مناسبی را برای فعالیت کردهای ترکیه در این منطقه فراهم می‌کرد. (آیت محمدی، ۱۳۸۲)

ارتش ترکیه در سال ۱۹۹۵، حملات گسترده‌ای را در شمال عراق برای سرکوب و تعقیب چریک‌های پ.ک.ک انجام داد. نیروهای ترکیه با ۳۵ هزار نفر از سربازان نیروهای زمینی اقدام به حمله‌ای علیه پ.ک.ک در شمال عراق کرد و بیش از چهل کیلومتر در

عمق خاک عراق پیشروی کردند. در نتیجه این عملیات ۵۵۸ نفر از شورشی‌ها و ۵۸ نفر از سربازان ترکیه کشته و ۱۳ جدایی طلب دستگیر شدند.

متعاقب آن طی سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، نیروهای امنیتی ترکیه طی حملاتی شدید، خسارات سنگینی را به پ.ک.ک، به ویژه در شمال عراق، وارد ساختند. در بسیاری از شهرک‌ها و شهرها، توان نظامی پ.ک.ک به طور چشمگیری تضعیف شد، بسیاری از مناطقی که قبلاً ناآرام و دستخوش آشوب بودند، از امنیت و صلح برخوردار شدند و حملات پ.ک.ک به شهروندان و نظامیان تا حد زیادی کاهش یافت. شبه نظامیان پ.ک.ک به ارتفاعات کوه‌ها پناه بردند؛ جایی که برای بقا بسیار نامساعد بود و انجام عملیات نظامی نیز به سختی صورت می‌گرفت. علاوه بر این به نظر می‌رسید که پ.ک.ک مناطق واقع در جنوب شرقی آناتولی، یعنی جایی که مبارزه از آنجا آغاز شد را از دست داده و مناطقی چون انتپ، ماراش، آدی‌یامان و به ویژه اورفا، محل تولد اوجالان، از کنترل این حزب خارج شد. (جی مارتین، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

بنابراین پ.ک.ک با وجود دستاوردهایی چون مقاومت جانانه در برابر حملات شدید نظامی، جلب حمایت گسترده افراد و سازمان‌هایی از ترکیه و اروپا و نیز بین‌المللی ساختن مسئله کردها، موفق نشد به اهداف اصلی نظامی خود نائل آید. نکته مهم در این دوره از فعالیت کردها این است که ترکیه چندان نگران تجزیه عراق نبود و هراس زیادی از همکاری کردهای ترکیه با کردهای عراق نداشت.

۶. فعالیت کردها پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳: سرنگونی رژیم بعث در عراق و شکل‌گیری کردستان فدرال در عراق بیش از هر چیزی برای ترکیه نگران‌کننده بود. از نگاه ترکیه وضعیت فعلی مناسب‌ترین زمان برای تجزیه طلبی کردهاست. لذا از دید مقامات ترکیه باید تدبیری کارساز در این زمینه اندیشیده شود تا ترکیه از خطر تجزیه دور شود. تردیدی نیست که شمال عراق فضای تنفس و فعالیت مناسبی برای کردهای تجزیه طلب ترکیه به وجود آورده است. کردهای عراق و خصوصاً جناح دموکرات آن

تحت رهبری مسعود بارزانی، با نگرشی مثبت به فعالیت فرامنطقه‌ای کردها، به اعضای پ.ک.ک پناه داده، تسهیلات لازم را در اختیار آنها گذاشته‌اند و با آرمان‌های آنها همدردی می‌کنند. فعالیت اسرائیل در شمال عراق و حمایت این کشور از استقلال کردها بر نگرانی ترکیه در مورد مساله کردها افزوده است. در گذشته نیز ترکیه از حمایت خارجی از کردها به شدت هراسان بوده است.

کلیه جناح‌های سیاسی ترکیه بر این نکته اتفاق نظر داشتند که «باید کاری کرد» و جمله «شکیبایی مردم ترکیه رو به اتمام است» مستمرا از زبان مقامات ترکیه بیان می‌شد. در این راستا بود که پارلمان ترکیه با اکثریتی قاطع قانونی را به تصویب رساند که به ارتش این کشور اجازه می‌داد در صورت ضرورت، عملیات فرامرزی انجام دهد. این قانون مشخصاً پ.ک.ک را مد نظر قرار داده بود و منظور از لفظ «فرامرزی»، احتمالاً فقط شمال عراق است.

اگرچه شرایط فعلی برای فعالیت کردها مناسب به نظر می‌رسد، ولی شرایط بین‌المللی هم چندان به ضرر ترکیه نیست. علاوه بر این، اجماع نیروهای داخلی ترکیه بر سرکوب هرگونه حرکت جدایی طلبانه باعث شده است که ترکها با همان انعطاف ناپذیری گذشته و عدم تساهل نسبت به مساله کردها واکنش نشان دهند.

روابط آنکارا و منطقه شمال عراق از نظر تاریخی متأثر از دو فاکتور حزب کارگران کردستان ترکیه (P.K.K) و روابط تجاری بوده است. گرچه رویکرد جدید ترکیه در قبال حکومت اقلیم کردستان عراق به ظاهر پارادوکسیکال است، اما نباید از نظر دور داشت که سیاست جدید آنکارا منتج از اقدامی منطقی در سطوح چندگانه است.

به اعتقاد برخی از کارشناسان سیاسی اتخاذ رویکردی مبتنی بر همکاری و همگرایی با کردهای عراق از سوی آنکارا دور از انتظار نبوده و عاری از منطقی نیست. در این راستا آنکارا به منافع اقتصادی و امنیتی چشم دارد که بدون همکاری با حکومت اقلیم

کردستان عراق دستیابی به آن امری محال می‌نماید. در زیر نگاهی اجمالی به منافع اقتصادی و امنیتی ترکیه در شمال عراق خواهیم داشت.

۱- اهمیت ژئواکونومیک کردستان عراق:

از نقطه نظر اقتصادی و ژئواکونومیکی پیوند آنکارا- اربیل امتیاز بزرگی برای ترکیه به‌خصوص در زمینه همکاری‌های حوزه انرژی محسوب می‌شود و بر قدرت مانور ترکیه به عنوان کانون اصلی ترانزیت انرژی منطقه به اروپا می‌افزاید و موقعیت منحصر به فردی در اختیار آنکارا قرار می‌دهد. شمال عراق یکی از مهم‌ترین مناطق خاورمیانه است که به رغم وسعت نه چندان زیاد، سرشار از منابع هیدروکربنی است و در سال‌های اخیر حجم زیادی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به سمت خود جذب کرده است. این در حالی است که رهبران حکومت اقلیم کردستان در معادلات نفت و گاز منطقه تقریباً توانسته‌اند حکومت مرکزی را بیرون از این بازی نفتی قرار دهند. در اکتبر سال ۲۰۱۱ حکومت اقلیم کردستان قراردادی بسیار جنجالی با اکسون موبایل (EXXON MOBIL) برای اکتشاف نفت و گاز در شمال عراق امضاء کرد. این معاهده بدون رضایت و حتی بدون مشورت با بغداد امضاء شد که در نتیجه آن حکومت مرکزی طی بیانیه‌ای آن را غیر قانونی اعلام کرد. در ماه می بغداد تلاش کرد تا مجموعه دیگری از بخش‌های اکتشافی را به حراج و مزایده بگذارد. اما هیچ یک از بازیگران بین‌المللی بزرگ حاضر نشدند از قراردادهای انحصاری با حکومت اقلیم کردستان عراق دست بکشند. وجود بازیگران و شرکت‌های فرامنطقه‌ای در منابع نفتی عراق، آنکارا را به تکاپو انداخت تا در دیپلماسی اقتصادی منطقه از سایر رقبا عقب نماند. از این رو در ماه می ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق برنامه‌هایی را برای ساخت یک خط لوله اعلام کردند که به واسطه آن نفت شمال عراق را از طریق خط لوله جیحان به ترکیه انتقال دهد. این خط لوله قادر به انتقال یک میلیون بشکه نفت در روز است و تا اوایل آگوست ۲۰۱۳ ساخت آن به پایان می‌رسد. در مرحله دوم این خط لوله مستقیم به خط لوله کرکوک- جیحان تا سال ۲۰۱۴ متصل می‌شود. حکومت اقلیم کردستان برنامه‌هایی برای صادر کردن نفت خام به

ترکیه دارد که در آن نفت خام کردستان عراق پس از تسویه در ترکیه مجدداً به شمال عراق صادر می‌شود. توافق ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق گرچه موضوعی اقتصادی است اما تبعات سیاسی جدی خواهد داشت و از اهمیت استراتژیک برخوردار است. اهمیت آن را باید در آن دانست که موجب تقویت و افزایش قدرت حکومت اقلیم کردستان می‌شود و بسترهای لازم برای استقلال این منطقه استراتژیک را مهیا می‌کند. باید خاطر نشان ساخت که شمال عراق علاوه بر اینکه بازار مهمی برای صادرات ترکیه به شمار می‌رود از نظر انرژی نیز برای آنکارا بسیار حیاتی است. نفت و گاز شمال عراق علاوه بر کاهش وابستگی ترکیه به منابع انرژی ایران و روسیه، بر اهمیت نقش ترانزیتی این کشور و انتقال نفت و گاز به بازارهای سراسر جهان خواهد افزود و این خود بر اهمیت ژئواکونومیک ترکیه به عنوان قطب اصلی انرژی منطقه می‌افزاید. (بهرامی، ۱۳۹)

آشتی هورامی وزیر نفت و انرژی حکومت اقلیم کردستان چندی پیش اعلام کرد که ظرفیت تولید نفت خام منطقه کردستان شمال عراق ۳۰۰ هزار بشکه در روز است. با این حال کردستان عراق قادر به صادرات آن نمی‌باشد و علت آن بروز اختلاف میان حکومت اقلیم و دولت مرکزی در مورد هزینه پرداختی و مالی به حکومت اقلیم کردستان عراق است. با این حال وی اعلام کرد که میزان تولید نفت خام حکومت اقلیم تا پایان سال ۲۰۱۲ به ۴۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. حکومت اقلیم کردستان در ژوئن نیز اعلام کرد که با توجه به قراردادهایی که با شرکت‌های خارجی منعقد کرده است و سرمایه‌گذاری‌هایی که در حوزه انرژی صورت گرفته ظرفیت تولید نفت شمال عراق طی سه سال آینده بیش از ۴ برابر افزایش خواهد یافت. وزیر انرژی حکومت اقلیم کردستان همچنین خاطر نشان ساخت که بر اساس پیش‌بینی‌ها میزان تولید نفت منطقه حکومت اقلیم کردستان تا پایان سال ۲۰۱۵ به یک میلیون بشکه در روز خواهد رسید و تا پایان سال ۲۰۱۹ این میزان به حدود ۲ میلیون بشکه در روز نیز افزایش خواهد یافت. وی همچنین افزود: «منابع نفتی ثابت شده در کردستان حدود ۵ سال پیش ۱ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شد اما امروزه با توجه به اکتشافات جدید این میزان به حدود ۴۴ میلیارد بشکه افزایش یافته است». امروزه بیش از ۴۰ شرکت

بین‌المللی نفتی در کردستان عراق فعال هستند که طی ۵ سال گذشته موفق شده‌اند قراردادهایی با حکومت اقلیم در مورد استخراج و صادرات نفت و گاز شمال عراق با رهبران کرد عراقی امضاء کنند. در این میان ترکیه حضور پررنگ و برجسته‌ای در میان سایر رقبا دارد. بیش از ۶۰ درصد کمپانی‌هایی که در کردستان عراق فعالیت می‌کنند متعلق به ترکیه می‌باشند. (بهرامی، ۱۳۹۱) در اهمیت اقتصادی کردستان عراق برای ترکیه می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در ادوار مختلف تجارت میان دو طرف چه در شرایط تنش‌آلود و چه در شرایط صلح و ثبات میان دو طرف دنبال شده است. حتی در سال ۲۰۰۸ زمانی که ۱۰۰ هزار سرباز ترک در مرز منطقه کردستان صف کشیده بودند دروازه مرزی خابور تنها برای چند ساعت بسته شد. (کندال عصمت و همکاران، ۶۹:۱۳۷۸)

۲- اهمیت استراتژیک کردستان عراق بر امنیت ترکیه:

از دیرباز تاکنون ترکیه با مشکلات داخلی زیادی مواجه بوده است. اما اصلی‌ترین چالش سیاستمداران ترک را باید در ناتوانی آنها در حل مسئله کردهای ترکیه دانست. بیش از چند دهه مبارزه کردهای ترکیه با دولت مرکزی علاوه بر اینکه منجر به ایجاد شکاف میان دولت‌مردان ترک و کردهای این کشور شده است، همواره از موانع جدی توسعه ترکیه به شمار می‌رود چرا که پیش‌زمینه و شرط اصلی توسعه در هر کشوری وجود امنیت و ثبات پایدار در آن کشور است. پیروزی حزب عدالت و توسعه و به قدرت رسیدن این حزب اسلام‌گرا در سال ۲۰۰۲ بر روابط دولت مرکزی و کردهای این کشور تأثیر گذاشت. رویکرد اصلی رجب طیب اردوغان در قبال کردها به رغم استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز و استمرار سیاست گذشته حاوی یک عنصر جدید بود. در سیاست جدید اردوغان گفتگو با احزاب سیاسی که مخالف خشونت هستند و گروه‌هایی که خواسته‌ها و مطالبات کردهای ترکیه را از طریق مسالمت‌آمیز دنبال می‌کنند سرلوحه حزب عدالت و توسعه در حل مشکل میان دولت و کردها قرار گرفت. مذاکرات اردوغان با اعضای حزب کردگرای صلح و دموکراسی، پذیرش تدریس به زبان کردی در مدارس

مناطق کردنشین ترکیه، اعلام آمادگی رجب طیب اردوغان برای مذاکره با لیلا زانا به عنوان نماینده کردهای ترکیه و ... از مصادیق بارز سیاست جدید آنکارا به شمار می‌رود.

از سوی دیگر ترکیه برای موفقیت سیاست جدید خود نیاز به متحدی جدید دارد. در این چارچوب می‌توان گفت یکی دیگر از دلایل اصلی توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه با حکومت اقلیم کردستان تابعی است از نگرانی‌های امنیتی ترکیه در قبال کردهای این کشور. توسعه روابط آنکارا و حکومت اقلیم کردستان بی‌تردید تأثیر قابل توجهی بر کاهش تنش‌ها میان دولت مرکزی و کردهای ترکیه برجای خواهد گذاشت. در واقع رهبران کرد عراق می‌توانند از نفوذ خود برای کاهش خشونت‌ها در ترکیه بهره گیرند. در روابط تنش‌آلود منطقه خاورمیانه توسعه روابط ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق یکی از محدود رویدادهای سیاسی است که در آن روابط دو بازیگر منطقه‌ای تا به این حد پیشرفت داشته و گسترش پیدا می‌کند. این روابط ناشی از تغییر افکار استراتژیکی و تاکتیکی هر دو طرف و به‌خصوص ترکیه است. روابط میان دو کشور در حال حاضر مسلماً بهترین روابطی است که تاکنون میان طرفین حکمفرما بوده است. چیزی که در اوایل سال ۲۰۰۸ زمانی که سربازان در طول مرزهای دو طرف صف کشیده بودند و روابط در پایین‌ترین حد خود قرار داشت تصور آن غیر ممکن بود. از اوایل دهه ۱۹۹۰ روابط بین دومین ارتش بزرگ ناتو و درحال توسعه یافته و تشکل یافته‌ترین منطقه عراق وجود داشته است. این روابط دارای نوسان بوده اما در عین حال همواره پی‌گیری شده است. نبرد طولانی مدت ترکیه با حزب کارگران کردستان گاه دربردارنده ورود ترکیه به کردستان عراق و تعقیب این گروه در داخل عراق بوده و گاه در زمان‌های دیگر منجر به همکاری با نیروهای کرد عراقی شده است. این نگاه که امکان شکست و یا خلع سلاح Pkk وجود دارد در حال حاضر و پس از گذشت چند دهه از فعالیت‌های نظامی این حزب، عملاً در میان سیاستمداران ترک تغییر کرده و رخت بر بسته است. در واقع سیاست‌های آنکارا در قبال حزب کارگران کردستان پراگماتیستی و عمل‌گرایانه‌تر شده است. تغییر موضع ترکیه در قبال این گروه و به طور کلی در قبال حکومت اقلیم کردستان منعکس‌کننده واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی است. (بهرامی، ۱۳۹۱)

امروزه ترکیه درک کرده است که موضوع کردستان و کردهای ترکیه موضوعی پیچیده‌تر از آن است که گروهی مسلح در کوه‌های عراق و در مرزهای میان عراق و ترکیه پنهان شده و اقدام به حملات نامتقارن و چریکی می‌کنند. در دو سال گذشته یک پارادیم و الگویی جدید در میان سیاستمداران ترک در قبال مواجهه با کردهای ترکیه شکل گرفته است. ترکیه بر آن است به عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای ایفای نقش کند که لازمه آن حل مشکلات داخلی کشور و پیش از همه دستیابی به یک تفاهم و صلح پایدار با کردهای ساکن ترکیه است. امروزه مباحث داخلی جدی در مورد مشکل کردها شکل گرفته است. مقامات ترک امروزه دیگر همچون گذشته تنش میان طرفین را تنها چالش ترکیه نمی‌دانند بلکه آن را به عنوان دغدغه کردها نیز درک میکنند. به اعتقاد برخی از کارشناسان سیاسی، این سیاست جدید ترکیه از زمانی شکل گرفت که حکومت اقلیم کردستان عراق از یک بازیگر منطقه‌ای کوچک خارج شده و تبدیل به یک عنصر قدرتمند و استراتژیک در بازی پیچیده ژئوپلیتیک منطقه شده است. در حال حاضر و برخلاف گذشته حکومت اقلیم کردستان نفوذ زیادی در عراق دارد. این نفوذ با توجه به مؤلفه‌های همچون نقش حیاتی حکومت اقلیم کردستان در تعارضات سیاسی، اقتصاد در حال شکوفایی و کشف ذخایر هیدروکربنی به اثبات رسیده است. این تغییرات و شرایط متغیر، پتانسیلی استراتژیک به حکومت اقلیم کردستان بخشیده است که تکاپوی آنکارا برای برقراری روابط استراتژیک با حکومت اقلیم کردستان را در پی داشته است. امروزه شاهد حضور مکرر رهبران ترکیه در اربیل هستیم. از سوی دیگر سال گذشته رئیس حکومت اقلیم کردستان مسعود بارزانی بطور رسمی از ترکیه به عنوان رئیس حکومت اقلیم کردستان عراق بازدید کرد. (بهرامی، ۱۳۹۱) امروزه حکومت اقلیم کردستان و ترکیه بطور رسمی در مورد (p.k.k)، کردهای ترکیه، موضوعات داخلی عراق، تحولات سیاسی کردستان، تجارت و اقتصاد، توسعه همکاری‌ها در حوزه انرژی و بویژه امنیت گفتگو می‌کنند. این رهیافت نشان از اهمیت استراتژی حکومت اقلیم کردستان عراق در حل معضل امنیتی آنکارا در قبال گرایش‌های گریز از مرکز دارد.

روابط آنکارا و منطقه شمال عراق از نظر تاریخی منوط به دو فاکتور بوده است. نخست حزب کارگران کردستان (P.K.K) و دیگری تجارت میان دو منطقه. گرچه موضع ترکیه در قبال شمال عراق ظاهراً دارای یک پارادوکس است، اما باید توجه کرد که سیاست جدید آنکارا منتج از اقدامی منطقی در سطوح چندگانه است. افزایش تنش آنکارا با دمشق، کاهش روابط با ایران و عراق، وجود تهدیدی به نام گروه‌های مسلح کرد در ترکیه، شکاف فزاینده میان دولت مرکزی و کردهای ترکیه و رشد گرایش‌های گریز از مرکز از یک‌سو و نیاز ترکیه به متحدی جدید در منطقه برای مقابله با این چالش‌ها از الزامات سیاست خارجی ترکیه در توسعه روابط اقتصادی و امنیتی با حکومت اقلیم کردستان عراق است. نفت و گاز در این منطقه استراتژیک از جهان همواره نقش تغییر دهنده بازی‌های سیاسی را ایفا کرده و در آینده نیز چنین نقشی را ایفا خواهد کرد. ذخایر نفت و گاز کردستان عراق می‌تواند بیشتر نیازهای انرژی ترکیه را تأمین کند و این در حالی است که در عین واحد یک منبع قابل اعتماد و پایدار انرژی برای اروپا از طریق خط لوله برنامه‌ریزی شده ناباکو فراهم کند. هر چند که ترکیه خود از پیامدهای توسعه روابط با رهبران کرد و تأثیر آن بر کردهای ترکیه آگاه و بر این حقیقت واقف است که قرارداد خط لوله و دیگر قراردادهای حوزه انرژی با حکومت اقلیم کردستان بسترهای لازم برای ایجاد یک دولت مستقل کردی را مهیا می‌کند. اما ترکیه با پذیرش این موضوع به دنبال آن است با سیاست جدید حداقل ردپایی محکم در شمال عراق و در میان دولت بالقوه مستقل کردی در آینده ایجاد کند تا از این طریق در معادلات آتی در این منطقه از حداقل نقش و نفوذ برخوردار باشد.

در پی جنگ اول خلیج فارس و ایجاد منطقه ممنوعه پروازی در شمال عراق که کردهای مقیم این ناحیه را از حملات هوایی رژیم صدام مصون می‌داشت، کردهای عراق، به رغم اختلافاتی که بین خود داشتند، توانستند دولت خودگردانی را در این منطقه تأسیس کنند. آنها اینک امیدوارند که بتوانند با تأثیرگذاری بر تدوین قانون اساسی جدید عراق، سیستم حکومت فدرال را بر این کشور حاکم کنند تا در سایه نظام فدرال، بتوانند دولتی مستقل و البته در چارچوب کشور عراق تشکیل دهند. تشکیل دولت

فدرال کردستان، با ۴ الی ۵ میلیون جمعیت هرچند که در قالب کشور عراق خواهد بود، هرگز برای ترکیه که ۱۰ الی ۱۵ میلیون کرد را در خود جای داده است قابل تحمل نخواهد بود چنانچه آنکارا تاکنون نیز بارها به این موضع تأکید کرده است.

آنچه در پی می‌آید، نگاهی از دیدگاه کردی به این موضوع است که توسط روزنامه «خبات» ارگان پارتنی (از گروه‌های فعال کرد) منتشر شده است. نویسنده، در این مقاله تشکیل چنین دولتی را همسو با منافع آمریکا و اروپا ارزیابی می‌کند و پیش‌بینی می‌کند متعاقب تشکیل دولت مستقل کرد، ترکیه به کردستان عراق حمله نظامی خواهد کرد.

آمریکا و اروپا می‌خواهند دولتی کردی را به عنوان هم‌پیمان مسلمان خود در خاورمیانه ایجاد کنند.

کردستان فعلی، کردستان سال ۱۹۹۲ نیست. کردها اکنون دارای جامعه‌ای نوین و آینده‌ای جدید و سیاسی هستند. دیدگاه سیاسی کردها از سال ۱۹۹۲ بسیار وسیع‌تر است همه کشورها (آمریکا، اروپا، روسیه، ایران، ترکیه و کشورهای دیگر) دنبال این هستند که دیدگاه کردها را در خصوص وضعیت منطقه به ویژه عراق بدانند. پس از جنگ خلیج فارس، کردها فرصتی تاریخی به دست آوردند و برای اولین بار توانستند در مورد خود تصمیم بگیرند و خودگردانی کنند. به خاطر ضعف نیروهای کردی و مخالفت کشورهای همسایه، آن موقع مجال این نبود که کردها دولتی با ثبات و باقواره‌ای مشخص تشکیل دهند، به همین علت آنان در وضعیتی نامشخص باقی ماندند. در همان زمان نیز به دلیل اینکه به تهدیدی برای ترکیه و شمال کردستان تبدیل نشوند، آمریکا و اروپا اجازه ندادند که کردها گام‌های بلندی بردارند. در آن موقع منافع ترکیه بیشتر با منافع آمریکا مطابقت داشت و «کرد» نمی‌توانست آنچنان که می‌بایست به پیش برود و خود را مطرح کند. امروزه وضعیت کاملاً تغییر کرده است، دولت ترکیه، اولین بار است که تا این اندازه با کشورهای غربی اختلاف پیدا کرده است. ترکها و اروپاییان بر سر حل مشکل قبرس به توافق نمی‌رسند، در خصوص جنوب کردستان هم توافق ندارند و از

همه مهمتر درباره عضویت ترکیه در ارتش جدید اتحادیه اروپا به توافق نمی‌رسند.
(باشگاه اندیشه، ۱۳۹۲)

اتحادیه اروپا اکنون ارتش مشترک خود را مدرنیزه می‌کند و باید تا سال ۲۰۰۵ برای انجام عملیات نظامی آماده شود. این یک ارتش ۴۰۰ هزار نفری خواهد بود. حوزه ماموریتی ارتش اروپا که بروکسل محور آن است، ۴۰۰۰ کیلومتر می‌باشد و شمال آفریقا، قفقاز و خاورمیانه را شامل می‌شود. یعنی زمانی که کشوری مانند عراق، ایران، ترکیه و یا هر کشور دیگری به تهدیدی علیه اتحادیه اروپا تبدیل شود، آنگاه نیروهای نظامی مذکور می‌توانند به آن کشور وارد شده و به مدت یک سال در آن کشور باقی بمانند تا منافع اروپا را حفظ نمایند و دولت آن کشور را به راه راست هدایت کنند. (باشگاه اندیشه، ۱۳۹۲) آمریکا و اروپا می‌خواهند دولت جدید مسلمانی را در خاورمیانه به جرگه هم‌پیمانان خود اضافه کنند تا از ترکیه‌ای رهایی یابند که به هیچ‌وجه با آنان تطابق ندارد. به نظر آنها برای اینکه جایگزینی برای ترکیه بیابند، دولتی کردی (مستقل یا فدرالی) بهترین دولتی است که اروپا می‌تواند به عنوان هم‌پیمان خود انتخاب کند تا تمامی کشورهای منطقه را کنترل کرده و دولت ترکیه را هم مهار کند. امروزه آمریکا و عراق در مورد عراق بیشتر به منافع خود می‌اندیشند و برای آنها مهم نیست که کردستان فدرال چه تهدیدی برای ترکیه خواهد داشت. هم‌اکنون برخلاف سال ۱۹۹۲، تمایلات زیادی وجود دارد که کردها بعنوان نیروی اصلی و مهم در عراق باقی بمانند و این، فرصتی تاریخی برای ملت کرد محسوب می‌شود. تا به حال کردها همیشه دوست و همکار زیر دست بوده‌اند، اما امروز منافع اروپاییان و آمریکایی‌ها و نیز کردها بیشتر با هم مطابقت دارند.

جنگ‌هایی که در ۳۰ سال آینده رخ خواهد داد، جنگ منطقه‌ای خواهند بود و این جنگها، منطقه‌ای وسیع را در بر نخواهد گرفت. به همین جهت امروزه قدرت‌های حاکم بر مناطق کوچک، نقش مهمی را در حل مشکلات آن منطقه دارند. در حل مشکلات عراق جدید، کرد نقش مهمی را مانند قدرت حاکم منطقه‌ای ایفا خواهد کرد.

ترکیه تمامی قدرت سیاسی و نظامی خود را بکار برده تا کردها، در جنوب کردستان به قدرت نرسند و قواره رسمی و بین‌المللی به دست نیاورند. به همین علت ترکیه به شدت نگران سرنگونی رژیم صدام بوده و می‌خواست آمریکا را از حمله به عراق منصرف نماید. (باشگاه اندیشه، ۱۳۹۲)

اگر سرنگونی رژیم صدام باعث تشکیل دولت فدرالی کردی شود، این دولت هیچ‌گونه تهدیدی برای اروپا و آمریکا به دنبال نخواهد داشت. (ابریشمی، ۱۳۷۸) ترکیه بارها اعلام کرده که اجازه نخواهد داد دولت مستقل کردی در (شمال عراق) تشکیل شود. کردها از کشور مستقل حرفی به میان نیاورده‌اند اما بار دیگر ترکیه، کردها را به این درخواست متهم می‌کند. بدون تردید ترکیه با افکار نادرست خود علیه دولت کردی فدرال اقدام خواهد کرد و تشکیل دولت فدرال را بعنوان تصرف کردستان تلقی خواهد کرد.

هر چند ترکیه خود را بسیار خشن نشان می‌دهد ولی در اصل نمی‌تواند مانع از تشکیل دولت فدرال کردی شود. سران حاکم ترکیه این را احساس و درک کرده‌اند. به همین دلیل ترکیه تمامی توان خود را بکار می‌گیرد تا کردها کرکوک را به دست نگیرند و وارد محدوده دولت فدرالی نشوند. (ابریشمی، ۱۳۸۷: ۴۵)

به احتمال زیاد بر سر کرکوک، ما بین کردها و ترکیه جنگی روی خواهد داد. مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق اعلام داشته که به هیچ وجه حاضر نیست بر سر کرد بودن کرکوک مذاکره کند. کردها اجازه نخواهند داد و قبول نمی‌کنند که ترکیه و کشورهای همسایه در مورد آینده کردستان فدرالی تصمیم بگیرند. اگر دولتی مانند ترکیه بخواهد به خاک کردستان فدرال حمله نظامی کند، کردها علیه دولت ترکیه خواهند جنگید. شاید ترکیه در آغاز حمله بتواند شهری مانند «زاخو» را به مدت کوتاهی تسخیر نماید اما کردها اجازه نخواهند داد ترکیه بیشتر از آن پیشروی کند و با جنگ و دفاع مشروع می‌توانند نیروهای ترکیه را درهم شکنند و آنها را بیرون کنند. (باشگاه اندیشه، ۱۳۹۲) مسعود بارزانی در همین رابطه به پارلمان رفت و بیانات تاریخی خود را

ارایه نمود و تمامی جنبه‌های مواضع کردها را روشن کرد. هفته بعد از آن هیاتی آمریکایی به کردستان وارد شد. (همان) مسعود بارزانی با آن بیانات، محدوده و شرایط گفتگو با ملت «کرد» را تعیین کرد و از همان روز روابط «پارتی» و ترکیه به هم خورد. ترکیه «دروازه ابراهیم خلیل» را گرفته و تمامی توان سیاسی - نظامی و اقتصادی خود را علیه پارتی بکار برده است، به همین دلیل حزب هم به هیچ وجه در خصوص آینده کردستان با ترکیه گفتگو نکرد. در زمان جنگ، «پ.ک.ک» باعث شد تا نیروی نظامی ترکیه در برخی از مناطق مرزی جنوب و شمال کردستان مستقر شود، اگر روزی ترکها بخواهند آن نیروها را علیه کردها بکار ببرند، آنگاه کردها به آسانی می‌توانند نیروهای ترکیه را بی‌تأثیر کنند و اجازه ندهند نیروهای ترکیه به تهدیدی بزرگ علیه کردها تبدیل شوند. (ابریشمی، ۱۳۸۷: ۴۵)

رهیافت ترکیه در قبال اقلیم کردستان تا سال ۲۰۰۸ مبتنی بر «سیاست خط قرمز» بود که بر اساس آن ترکیه مخالف هرگونه استقلال عمل کردها در عراق بوده و رابطه این کشور با اقلیم کردستان از مجرای حکومت مرکزی عراق صورت می‌پذیرفت. با تحركات اخیر ترکیه در شمال عراق و ترافیک دیپلماتیک بین طرفین به نظر می‌رسد دیگر سیاست خط قرمز ترکیه در قبال اقلیم کردستان کارائی خود را از دست داده و فصل جدیدی در روابط طرفین ایجاد گردیده است. رابطه نزدیک ترکیه با حکومت اقلیم کردستان، اعطای تابعیت به معاون رئیس جمهور عراق و تنش در رابطه بغداد - آنکارا فرضیه‌هایی مبنی بر تضعیف حکومت مرکزی توسط ترکیه، تقویت اکراد و در نهایت تجزیه این کشور را برجسته می‌کند. در این راستا به نظر می‌رسد سفر پیشروی رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه به ایالت متحده آمریکا در ماه فوریه و دستورکار این سفر پیامدهای مهمی برای اکراد بویژه حکومت اقلیم کردستان شمال عراق داشته باشد. بسیاری از کارشناسان این سفر را بسیار مهم ارزیابی کرده و به سفری با طرح حکومت کردی تعبیر کرده‌اند. با این اوصاف سوالی که مطرح می‌شود اینست ترکیه با تغییر سیاست سنتی خود در قبال کردهای منطقه به دنبال چه هدفی بوده و نزدیکی

غیرعادی این کشور به حکومت اقلیم کردستان چه پیامدهایی بر آینده سیاسی و به طور ویژه بر تمامیت ارضی عراق خواهد داشت. (کریمی، ۱۳۹۱)

ایده استقلال کردستان عراق در مرز ترکیه، وجود اقلیت قابل توجه کرد در ترکیه و نیز تحركات حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بیش از ربع قرن اخیر از مسایل سیاسی و امنیتی مهم ترکیه بوده و همیشه بر سیاست خارجی این کشور در برابر ۳ کشور دارنده اقلیت کرد (ایران، عراق و سوریه) اثر گذاشته است. (ابریشمی، ۱۳۷۸) در واقع مساله کردها به تمامیت ارضی و امنیت ملی ترکیه مرتبط بوده و حل این مشکل اولویت سیاست امنیتی ترکیه بوده و هست. در این راستا ترکیه سیاستی موسوم به خط قرمز در قبال کردهای منطقه اتخاذ کرده که مبتنی بر جلوگیری از استقلال و در گذشته خودمختاری کردها بوده است. سیاست ترکیه و ۳ کشور دارنده اقلیت کرد تا سقوط صدام مشترک بوده ولی حمله آمریکا به عراق و شکل‌گیری منطقه خودمختار اقلیم کردستان شرایط را بگونه‌ای دیگر رقم زد. قدرت‌گیری شیعیان و اکراد در عراق از یک سو، تضعیف سنی‌های مورد حمایت ترکیه از سوی دیگر در فضای سیاسی عراق و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ با رهیافت واقع‌گرایانه در ترکیه بتدریج سیاست خط قرمز را به حاشیه کشاند. (کریمی، ۱۳۹۱) در واقع بخشی از تغییر نگرش به مساله کردها در ترکیه، چه کردهای درون کشور ترکیه و چه کردهای کشورهای اطراف با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه ایجاد گردید.

پس از سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ سیاست ترکیه مبتنی بر تقویت جمعیت ترکمن کرکوک، جلوگیری از آرمان کردها و نیز تقویت سنی‌های عراق بود. ترکیه احساس می‌کرد با عدم مشارکت در اشغال عراق و عدم همراهی با آمریکا بازی قدرت را در عراق نوین باخت و روی کار آمدن شیعیان موجب افزایش نفوذ ایران و نیز خودمختاری کردستان موجب تحریک کردهای ناراضی داخلی شده است. ترس ترکیه از آن بود که حکومت خودمختار کرد در عراق، کردهای ناراضی ترکیه و گروه مسلح پ.ک.ک را تقویت نموده و امنیت این کشور را تحت تاثیر قرار دهد. (کریمی، ۱۳۹۱)

ترکیه تا سال ۲۰۰۵ حضور و تحرکی در اقلیم کردستان نداشت ولی از این تاریخ سرمایه‌گذاران ترک وارد شمال عراق شده، به طوری که در حال حاضر بیشترین سرمایه‌گذاری در کردستان عراق متعلق به شرکت‌های ترک بوده و هر روز به فعالیت آنها افزوده می‌شود. پس از بهبود رابطه اقتصادی، رابطه سیاسی وارد مرحله جدیدی گردید. سفر ۲۰۰۹ احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه به اقلیم کردستان سرفصل روابط جدید طرفین بشمار می‌رود. بدنبال این سفر کنسولگری ترکیه در اربیل افتتاح گردید. پس از آن اردوغان و عبدالله گل نیز از شمال عراق دیدار بعمل آورده و در مقابل مقامات اقلیم کردستان نیز بارها به آنکارا سفر کردند. تغییر شکل روابط بگونه‌ای است که مسعود بارزانی در قامت رئیس اقلیم کردستان، یکی از میهمانان ویژه کنگره حزب عدالت و توسعه ترکیه در سپتامبر ۲۰۱۲ بود. (جی مارتین، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

اهداف ترکیه از نزدیکی به اقلیم کردستان

۱- اهداف اقتصادی و مساله انرژی : مهمترین عنصر اقتصادی که نقش زیادی در بهبود روابط داشته است، مساله انرژی می‌باشد. با توجه به اقتصاد روبه رشد ترکیه و نیاز مبرم به انرژی، سیاستمداران این کشور بر آن شدند رابطه نزدیکی با کردستان عراق که دارای ذخایر غنی انرژی است، برقرار نمایند. تحریم نفت و گاز ایران توسط آمریکا، کاهش خرید نفت ترکیه از ایران و نیز عدم تمایل این کشور به وابستگی بیشتر به روسیه، موجب توجه بیشتر به منطقه اقلیم کردستان شده است. از طرفی برای انتقال نفت و گاز به اروپا از طریق خاک ترکیه، منابع غنی انرژی کردستان اهمیت پیدا می‌کند. وجود ۴۰ الی ۵۰ میلیارد بشکه نفت و ۳ الی ۶ تریلیون مترمکعب گاز در کردستان، سود قابل توجهی را با انتقال آن عاید ترکیه می‌کند. (محمود کریمی، ۱۳۹۱)

وزیر انرژی اقلیم کردستان در کنفرانس انرژی اربیل اعلام نمود که پروژه انتقال نفت روزانه ۱ میلیون بشکه از خاک ترکیه در سال ۲۰۱۳ افتتاح خواهد شد. چنین طرح‌های جاه طلبانه‌ای در مورد گاز نیز وجود دارد. البته اینگونه توافقات و فروش نفت بدون

هماهنگی با بغداد صورت گرفته، بطوری که در ماه‌های اخیر تنش‌هایی را ایجاد نموده و حتی به تبادل آتش بین نیروهای پیشمرگ کرد و نیروهای حکومت مرکزی موسوم به نیروهای دجله شده است.

علاوه بر انرژی، شرکت‌های ترک بیشترین سرمایه‌گذاری را در کردستان عراق انجام داده‌اند. حجم روابط تجاری ترکیه با کردستان عراق به ۸ میلیارد دلار بالغ گردیده است. به نظر نچیروان بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان نیاز ترکیه به انرژی و از طرف دیگر نیاز کردستان عراق به سرمایه‌گذاری و کالاهای تولیدی ترکیه مکمل هم بوده و پیش برنده روابط طرفین می‌باشد. (ابریشمی، ۱۳۸۷: ۴۵)

۲- تضعیف دولت نوری المالکی: حکومت نوری المالکی بعنوان حکومت شیعی تمایل به ایجاد یک حکومت مدرن متمرکز دارد، بطوری که مسائل امنیتی، اقتصادی و سیاسی به طور مستقیم در دستان دولت مرکزی باشد. از منظر مالکی حکومت فدارالیسم در عراق موجب از دست رفتن ثبات، ایجاد ضعف، آشوب و تجزیه در عراق شده است. در مقابل کردها و سنیان از این شرایط ناراضی بوده و به دنبال تضعیف جایگاه وی می‌باشند (کریمی، ۱۳۹۱) ترکیه نیز که بطور سنتی طرفدار سنیان و مخالف قدرت‌گیری شیعیان بوده به شکل خودکار در کنار گروه‌های ناراضی داخلی قرار می‌گیرد. ترکیه در راستای تضعیف نوری المالکی به معاون فراری رئیس‌جمهور عراق که به اعدام محکوم شده پناهندگی داده و به کرات نوری المالکی را متهم به ایجاد اختلافات قومی می‌کند. در مقابل نوری المالکی ترکیه را به دخالت در امور عراق و تجزیه این کشور محکوم می‌کند.

اعتراضات اخیر در شهرهای سنی‌نشین و حمایت ترکیه از آنها که منجر به استیضاح نوری المالکی در آینده نزدیک شده است نشان از طرح حساب شده ترکیه در قبال عراق و شخص نوری المالکی دارد. بیش از این اردوغان کردها و حزب العراقیه را به تنظیم شکایت‌نامه علیه نوری المالکی به اتهام فرقه‌گرایی و یا طایفه‌گرایی و ارسال این شکایت به سازمان ملل تشویق کرده بود.

۳- مدیریت مساله کردهای داخل از طریق تعامل با کردستان عراق: پیش از این آنکارا معتقد بود که کنترل کردها از مجرای تهران- آنکارا- بغداد می‌گذرد ولی در حال حاضر متقاعد شده مساله مذکور از طریق آنکارا- اربیل- واشنگتن نیز قابل پیگیری است.

در طول سالیان گذشته کردستان عراق در نگاه ترکیه مامن شبه نظامیان پ.ک.ک و عمق استراتژیک این گروه بوده است ولیکن امروز حکومت اقلیم کردستان به نوعی بخشی از حل بزرگترین مشکل امنیتی ترکیه بشمار می‌رود. بارزانی همواره به گروه‌های جدایی طلب کردی هشدار می‌دهد از اسلحه استفاده نکنند و به گفتگو رو بیاورند. تا حدی که بارزانی اجازه سرکوب پ.ک.ک را در درون کردستان عراق می‌دهد. در واقع بارزانی ابتدا به دنبال ایجاد امنیت و تثبیت موقعیت خود در اقلیم کردستان بوده و سپس به دنبال وارد شدن به مساله کردهای خارج از عراق می‌باشد. حزب قانونی کرد صلح و دموکراسی (ب.د.پ) و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در ترکیه از ورود بارزانی به حل مساله اکراد هشدار داده و اقدام وی را به جانبداری از آنکارا قلمداد می‌کنند. هر چند بارزانی در سال‌های گذشته خود را بعنوان یک کرد دلخواه ترکیه معرفی نموده ولی سیاستی که وی در قبال کردهای سوریه اتخاذ کرده است، نظر ترکیه را بر نمی‌تابد. (کریمی، ۱۳۹۱)

نهایتاً به نظر می‌رسد ترکیه با تقویت روابط خود با کردها می‌کوشد میزان اثرگذاری پ.ک.ک را در ترکیه کم کرده و راه میانه‌ای برای پایان دادن پ.ک.ک در عراق فراهم آورد و این در شرایطی است که دولت مرکزی عراق در وضعیت اثرگذاری کمتری برخوردار و ترکیه بر این باور است که کردها امروزه در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند اثربخشی بیشتری داشته باشند.

۴- جلوگیری از نفوذ ایران: دومین عرصه تغییر سیاست ترکیه در قبال اقلیم کردستان عراق مساله ایران می‌باشد. ۲ کشور رقیب و قدرت منطقه‌ای در سوریه و عراق بشدت رقابت می‌کنند. پس از سرکوب صدام، ایران در حکومت مرکزی نفوذ قابل توجهی

داشته و در اقلیم کردستان رابطه مناسبی با طالبانی دارد. در مقابل ترکیه با بارزانی و سنیان ناراضی عراقی رابطه نزدیکی ایجاد نموده و به دنبال تضعیف نفوذ ایران می‌باشد. در چنین فضایی یک اقلیم کردستان امن و باثبات طرفدار ترکیه، دور از ایران و مخالف حکومت مرکزی بغداد به یک اتحاد طبیعی با ترکیه وارد می‌شود. (جی مارتین، ۲۳۲:۱۳۸۳)

اقلیم کردستان عراق نیز به دلایلی همانند رهایی از محدودیت جغرافیایی، نیاز به سرمایه خارجی، ایجاد موازنه و تعدیل حکومت مرکزی، تاثیر بر سرنوشت کردهای ترکیه و انتقال انرژی از خاک ترکیه ملاحظاتی در روابط خود با ترکیه دارد. شاید این گفته نچيروان بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان این وضعیت را بهتر توصیف نماید. وی در مصاحبه با تایم گفته است: « ما یک در امید داریم که آن ترکیه است، اگر این در امید بسته شود ما توسط حکومت بغداد محاصره خواهیم شد ».

تاثیر رابطه ترکیه و اقلیم کردستان بر آینده سیاسی عراق

رفتار ترکیه با کردستان عراق در سال‌های اخیر به مثابه رفتار با یک حکومت مستقل بوده است. این نوع رفتار بیشتر در سفر مقامات ترک به اقلیم کردستان نمود پیدا می‌کند. سفر احمد داوود اوغلو وزیر خارجه بدون اطلاع حکومت مرکزی عراق در سال ۲۰۱۲ به اربیل و کرکوک و نیز سفر وزیر انرژی ترکیه تانر ییلدیز به اربیل اعتراض شدید بغداد را بدنبال داشت. نوری المالکی این نوع رفتار با اقلیم کردستان را همانند رفتار با یک دولت مستقل ارزیابی نمود و ترکیه را تهدید به تجدید نظر در روابط نمود. متقابلاً بارزانی در آوریل ۲۰۱۲ به ترکیه سفر کرده و در این دیدار با نخست وزیر، رئیس جمهور، وزیر خارجه و مهمتر از همه با رئیس سازمان اطلاعات ترکیه (میت) دیدار کرد. پس از برگشت چند روز بعد بارزانی حکومت مرکزی را تهدید به ایجاد فراندوم برای استقلال کرد. (کریمی، ۱۳۹۱)

تغییر در رویکردهای ترکیه در قبال عراق و اقلیم کردستان به طور ویژه در یک سال گذشته صرفاً محدود به حمایت از طارق الهاشمی و نزدیکی به کردستان عراق نبوده، بلکه ترکیه افق بلندتری را مد نظر گرفته تا بتواند در ساختارهای سیاسی و حکومتی عراق تاثیرگذار باشد. نزدیکی غیر منتظره ترکیه به کردستان عراق، تحریک سنیان علیه حکومت مرکزی توسط ترکیه، سخنان نوری مالکی در مورد تلاش اردوغان برای تجزیه این کشور و در نهایت مذاکرات چند روز گذشته دولت ترکیه با عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک و اعلام موفقیت این مذاکرات درباره خلع سلاح پ.ک.ک همگی نشان از تحولاتی جدی در زیر پوست منطقه دارد. ترکیه سعی داشته با استفاده از پتانسیل کردهای عراق که خود در تنشی شدید با دولت مرکزی این کشور به سر می‌برند، از یک سو زمینه تحقق طرح‌های دیرپای خود برای تقسیم عراق بر اساس خطوط فرقه‌ای و مذهبی را پیگیری کرده و از سوی دیگر، از خطر تحرکات گروه کرد «پ ک ک» علیه خود بکاهد. (جی مارتین، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

در این میان مرگ مغزی جلال طالبانی بعنوان رئیس جمهور و فرد مورد وثوق گروه‌های مختلف عراقی می‌تواند فاصله بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی را بیشتر کرده و به بروز مشکلات و تنگناها در عرصه سیاسی عراق منجر گردد. در اقلیم کردستان نبود طالبانی موجب تقویت موضع رقیب سرسخت وی بارزانی شده و در واقع موازنه را به نفع آنکارا- اربیل تغییر می‌دهد. از طرفی نوری المالکی حامی نزدیک خود را که هم بین سنیان، شیعیان و کردها مقبولیت داشته، را از دست داده است.

نظام سیاسی عراق مبتنی بر فدرالیسم است. در نظام‌های فدرال و از جمله عراق، ایالت‌ها یا به زبانی دیگر استان‌ها تنها در دو حوزه از مستقل دولت مرکزی یا فدرال مستقل عمل کنند و آن حوزه سیاست خارجی و سیاست‌های دفاعی- نظامی است. در نظام سیاسی عراق، بر اساس اصول قانون اساسی این کشور مناطق خود مختار نباید به صورت جداگانه‌ای از دولت مرکزی به دنبال تعاملات سیاسی- امنیتی و اقتصادی با کشورهای دیگر باشند. اما منطقه خودمختار کردستان عراق بدون توجه به اصول قانون

اساسی نه تنها به دنبال داشتن تعاملاتی مستقل از دولت مرکزی عراق با دنیای خارج است، بلکه همچنین در موارد زیادی سیاست‌هایی را در پیش می‌گیرد که الزاما با سیاست‌های داخلی و خارجی دولت عراق سازگار نیست. (غلامی، ۱۳۹۱)

در طرف مقابل، دولت ترکیه یکی از اساسی‌ترین چالش‌های داخلی خود را مسأله کردها می‌داند. دولت ترکیه همواره نسبت به هرگونه تحرک در محیط منطقه‌ای خود که بر سرنوشت کردهای این کشور تأثیر بگذارد واکنش نشان داده است و نگران بوده است. بر این مبنا، دولت ترکیه به خاطر مسئله کردها نسبت به حمله آمریکا به صدام حسین و تحولات عراق از فردای سقوط صدام حساس بوده است. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های ترکیه در رابطه با عراق این بود که این کشور از قدرت گرفتن کردهای عراق در اثر روند تحولات عراق نگران بود و تلاش می‌کرد با ورود به عرصه تحولات عراق مانع از این شود. دولت ترکیه همواره خواهان حفظ تمامیت ارضی عراق به گونه‌ای بوده است که در آن نقش کردها چندان پررنگ نباشد. اما امروزه مشاهده می‌شود که ترکیه به دنبال نوعی از تعاملات با اقلیم کردستان است که این تعاملات با سیاست‌های اولیه ترکیه سازگار نیست. سؤالی که این نوشتار قصد بررسی آن را دارد این است که چه علل و عواملی سبب تعاملات ترکیه و اقلیم کردستان عراق شده است و این تعاملات چه نتایجی به دنبال دارد. در پاسخ به این سؤال استدلال می‌گردد که دولت ترکیه و اقلیم کردستان هر چند در ظاهر دارای برخی منافع مشترک هستند، اما با این حال انگیزه‌های هر کدام از آنها تعاملات فیمابین متفاوت است و بدین خاطر در میان مدت و بلند مدت نتایج تعاملات می‌تواند خلاف آن چیزی باشد که دو طرف انتظار داشتند.

اهداف و منافع اقلیم کردستان از تعامل با ترکیه

اقلیم کردستان عراق با تکیه بر ناسیونالیسم کردی همواره با دولت ترکیه به واسطه نوع برخورد این کشور با کردهای ترکیه دچار مشکل بوده است و در موارد زیادی از کردهای ترکیه حمایت کرده است. اما امروزه به دنبال تعاملات عمیق با ترکیه است.

سؤال این است که آیا این تغییر خطمشی کردستان عراق صرفاً تاکتیکی است یا استراتژیکی و اقلیم کردستان عراق چه منافی را از طریق این تعامل دنبال می‌کند. در ادامه تلاش می‌شود که به این سؤال پاسخ داده شود. (غلامی، ۱۳۹۱)

رهایی از محدودیت جغرافیایی: اقلیم کردستان برای تعامل با دنیای خارج و بهره‌گیری از مزایای آن ناچار است که از در دوستی با یکی از سه دولت ایران، ترکیه و سوریه درآید. زیرا دولت عراق که خود اساساً مخالف تعاملات مستقل اقلیم کردستان با دنیای خارج است. جمهوری اسلامی ایران نیز طرفدار دولت مرکزی عراق است و اقداماتی انجام نخواهد داد که منجر به تضعیف آن شود. دولت سوریه نیز به خاطر مسأله کردها و نیز حمایت از تمامیت ارضی عراق مایل نبوده است که راه ترانزیتی برای اقلیم کردستان باشد. اما در این میان مجموعه‌ای از عوامل که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، این امکان را به ترکیه داده است که مسیری برای تعامل اقلیم کردستان با دنیای خارج باشد.

نیاز به توسعه: اقلیم کردستان عراق برای وارد کردن جریان کالا، خدمات و ثروت به منطقه اقلیم و کمک به رشد و توسعه این منطقه به حمایت‌های ترکیه نیاز دارد. امروزه بیش از نیمی از تجارت خارجی ترکیه با عراق، به منطقه اقلیم کردستان عراق اختصاص دارد.

حل مسأله کردهای ترکیه: بارزانی به دنبال آن است که از طریق تعامل با دولت ترکیه و ایجاد اعتماد و اطمینان در آنها نسبت به حسن نیت خود، از یک طرف تلاش کند که حزب کارگران کردستان ترکیه را تشویق به پیگیری سازوکارهای دیپلماتیک کند و از سوی دیگر دولت ترکیه را نیز ترغیب کند که حقوق کردهای ترکیه را به رسمیت شناسد. این هدف نه تنها منجر به ثبات و امنیت در منطقه اقلیم کردستان می‌شود بلکه می‌تواند منجر به تعامل بیشتر کردهای اقلیم و کردهای ترکیه گردد و در اثر این تعامل همگرایی بیشتری میان آنها حاصل گردد. باید این نکته را مدنظر داشت که

کردهای ترکیه بیشترین پتانسیل را برای پیوستن به کردهای عراق در آینده و در صورت انجام هر تحرک استقلال خواهانه‌ای توسط اقلیم کردستان دارند.

تلاش برای ایجاد تحرک در کردهای سوریه: در شرایط فعلی که دولت ترکیه مسیر دشمنی را با سوریه در پیش گرفته است و با حمایت از مخالفین به دنبال تغییر نظام سیاسی سوریه است، اقلیم کردستان عراق نیز فرصت را مغتنم شمرده است که با حمایت از کردهای سوریه و تشویق آنها به مخالفت با نظام سیاسی سوریه، نقش آنها را در آینده سوریه پررنگ کند. این سیاست باعث شده است که اقلیم کردستان عراق نه تنها در کنار قدرتهای غربی، عربی و ترکیه مسیر تغییر رژیم سوریه را دنبال کند بلکه از این طریق موجب حساسیت ترکیه هم نشود. البته باید اذعان داشت که در این باره اختلاف نظری نیز میان دو طرف وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

اهداف و منافع ترکیه از تعامل با اقلیم کردستان

دولت ترکیه در کنار تعاملاتی که با دولت مرکزی عراق دارد، تعاملات متفاوتی را نیز برای خود در ارتباط با اقلیم کردستان تعریف کرده است و از این طریق انگیزه‌ها و منافع خاصی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱- مدیریت مسئله کردها از طریق تعامل با اقلیم کردستان: تعامل دولت ترکیه با اقلیم کردستان نه تنها این امکان را به ترکیه می‌دهد که از نزدیک بر تحولات کردستان عراق نظارت کند و در صورت نیاز به مدیریت آن مطابق با ضرورت‌های خود بپردازد، بلکه همچنین سبب می‌شود که اقلیم کردستان عراق به دنبال حمایت از کردهای ترکیه و «پ،ک،ک» نباشد. (السن، ۱۳۸۰) در واقع ترکیه از طریق تعامل با دوست (منظور اقلیم کردستان) دشمن خود (منظور کردهای ترکیه)، عملاً سبب شده است که اقلیم کردستان یک سیاست خنثی در رابطه با کردهای ترکیه داشته باشد. این انگیزه جزء هدف‌های استراتژیک و بلند مدت ترکیه در رابطه با اقلیم کردستان است.

۲- استفاده از بازار اقلیم کردستان عراق: تعاملات اقتصادی و تجاری ترکیه با اقلیم کردستان نه تنها در بردارنده منافع مهمی برای ترکیه است، بلکه سبب می‌شود که هدف استراتژیک اول که به آن اشاره شد نیز تقویت‌تر گردد. هر اندازه تعاملات اقلیم کردستان و ترکیه بیشتر شود، به همان میزان از استقلال عمل کردستان عراق کاسته می‌شود و احتمال حمایت‌های آنها از کردهای ترکیه به حداقل می‌رسد. (غلامی، ۱۳۹۱)

۳- تضعیف دولت شیعی نوری المالکی: دولت ترکیه نفع خود را در این می‌بیند که در عراق قدرت در دست ملی‌گرایان سکولار سنی قرار گیرد تا هم نفوذ ایران کاهش یابد و در نتیجه نفوذ ترکیه افزایش یابد و هم در صورت نیاز استقلال عمل منطقه اقلیم کردستان را محدود کند. اختلاف منافع اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق، سبب شده است که دولت ترکیه از طریق گسترش تعاملات با اقلیم کردستان، دولت مرکزی عراق را ضعیف کند تا زمینه برای قدرت گرفتن ملی‌گرایان سکولار فراهم شود. این هدف ترکیه مقطعی و کوتاه مدت است و به این خاطر تعاملش با اقلیم کردستان در این حوزه تاکتیکی است.

۴- تشویق اقلیم به حمایت از شورای مخالفان سوریه: در راستای بسیج منابع منطقه-ای علیه سوریه، دولت ترکیه خواهان این است که اقلیم کردستان از طریق کردهای سوریه از شورای مخالفان سوری حمایت کند و فقط این شورا به عنوان مخالف اصلی بشمار آید به رسمیت بشناسد. (السن، ۱۳۸۰: ۱۰۲) اما اقلیم کردستان بیشتر مایل به اتخاذ سیاستی است که تأثیر مثبت بر سرنوشت کردهای سوریه بگذارد.

منافع اقلیم کردستان و واقعیات

اقلیم کردستان سیاست‌هایی را در پیش گرفته است که ممکن است به نتایجی منجر شود که الزاما مطلوب آن نخواهد بود. در این رابطه چند نکته قابل ذکر است:

۱. هر چند در مواجهه با دولت نوری مالکی، ترکیه از اقلیم کردستان حمایت کرده است اما اگر قدرت در دست ملی‌گرایان سکولار چون ایاد علاوی قرار گیرد، اقلیم نه تنها بدون پشتوانه خواهد ماند بلکه ممکن است قربانی تباری دولت ترکیه و ملی‌گرایان سکولار عراق شود. گزینه مطلوب برای اقلیم کردستان این است که به اختلافات خود با دولت مرکزی عراق به عنوان یک مسأله داخلی نگاه کند و اجازه دخالت عوامل خارجی را ندهد.

۲. دولت مرکزی عراق، منافع عراق را به گونه‌ای کاملاً درست در عدم مداخله خارجی در سوریه تعریف کرده است. اقلیم کردستان با در پیش گرفتن سیاستی متفاوت نه تنها سبب بی‌اعتمادی بیش از پیش دولت عراق به خود می‌شود، بلکه باید مدنظر داشته باشد که سلفی‌ها و سکولارهای سوریه نیز اجازه آزادی عمل چندانی به کردهای سوریه نخواهند داد و علاوه بر این، ترکیه نیز که بیشترین هزینه را برای مخالفین سوریه پرداخت کرده است اجازه نخواهد داد که کردهای سوریه آن جایگاهی را داشته باشند که اقلیم کردستان انتظار دارد. شورای مخالفین سوریه در صورت موفقیت، منافع ترکیه را مد نظر خواهند داشت. (السن، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

۳. وابستگی بیش از حد اقلیم به ترکیه پدیده مطلوبی نیست. زیرا در نهایت نگرش ترکیه به کردها یک نگرش و نگاه امیتی است و اقلیم از طریق تعامل بیش از حد نه تنها سبب دشمنی دولت مرکزی عراق علیه خود می‌شود بلکه خود به سیاست‌های محدودیت‌زایی ترکیه نسبت به کردها کمک می‌کند.

این ادعا درباره ترکیه نیز صادق است. (غلامی، ۱۳۹۱) بدین معنی که تعامل ترکیه با اقلیم کردستان ممکن است به نتایجی منجر گردد که مطلوب این کشور نباشد. بدین معنی که اولا تعاملات خارج از حد مجاز با اقلیم باعث نگاه بدبینانه و منفی شیعیان عراق می‌شود که اکثریت جامعه عراق را تشکیل می‌دهند و بدین خاطر ترکیه قادر نخواهد بود به یک نفوذ پایدار در عراق دست یابد. دوم این که ورود کردهای سوریه به

مخالفت با بشار اسد در اثر تشویق اقلیم کردستان عراق سبب خواهد شد که کردهای ترکیه نیز به خودباوری بیشتری برسند و در آینده به چالشی برای ترکیه تبدیل شوند. علاوه بر این تحولات اقلیم کردستان همچنان قادر است برای ترکیه بیش از هر کشور دیگری چالش ایجاد کند. لذا در پایان باید گفت که به دلیل انگیزه‌های متفاوت ترکیه و اقلیم کردستان از تعامل با همدیگر، ممکن است روند حوادث در آینده به گونه‌ای باشد که مطلوب یکی از طرفین و یا هیچ کدام نباشد. (السن، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

ورود ترکیه به درگیری‌های بغداد-کردستان

زمانی از کرکوک، شهری در ۲۴۰ کیلومتری شمال بغداد، از طریق کردستان و از کناره شرقی ترکیه، آناتولی، روزانه ۱/۶ میلیون بشکه نفت خام عراق به بازارهای جهانی می‌رفت. هر دو طرف عراقی و ترک از این وضعیت راضی بودند. عراق آسوده خاطر نفت خود را به بازارهای جهانی می‌فرستاد و ترکیه از گذر خط لوله‌ها از خاک خود درآمد ترانزیتی مناسب داشت. اما وارد شدن یک طرف سوم تعادل بازی را بهم زده است، کردستان عراق.

جنگ و خرابکاری و وضع تحریم‌های جامع از دهه ۹۰ قسمت عراقی خط لوله را از میان برد. یکی از دو خط لوله موازی اکنون خالی است و منبع این دو خط که زمانی میدان نفتی معظم کرکوک بود، اکنون مخروبه است. این میدان را ترک‌ها در سال ۱۹۲۷ اکتشاف کردند و با همکاری شرکت پتروشیمی عراق در سال ۱۹۳۴ به مرحله بهره‌برداری رساندند. در آوریل سال گذشته مقام‌های دولت مرکزی عراق از بریتیش پترولیوم خواستند بار دیگر این میدان را احیا کند. درخواستی که با پاسخ محتاطانه بریتیش پترولیوم مواجه شد. مقام‌های ارشد این شرکت در ابتدا حتی حاضر نشدند با وزیر نفت وقت عراق، آقای شهرستانی، که برای شرکت در یک کنفرانس انرژی در لندن به سر می‌برد ملاقات کنند (رویترز، ۱۷ آوریل ۲۰۱۲). دولت مرکزی می‌خواهد بی پی را در مقابل اگزون و شورون آمریکا در کرکوک بگذارد. این دو شرکت مستقیماً و بدون

هماهنگی دولت عراق با کردستان وارد مذاکره شده و قراردادهایی منعقد کرده‌اند. هنوز از سرنوشت قرارداد دولت مرکزی با بی بی خبری نیست و روزانه اخبار ضدونقیضی درباره آن منتشر می‌شود. کردستان این قرارداد را «غیرقانونی و خلاف قانون اساسی» می‌داند و دولت مرکزی قراردادهای اگزون و شورون آمریکا را. (روزنامه شرق، ۱۳۹۱:۴)

به هر حال نقش ترکیه نیز اکنون در این بازی از چشم‌ها پنهان نمانده. میدان نفتی کرکوک برای ترکیه حایز اهمیت است؛ چه از نظر اقتصادی و چه از نظر استراتژیک و سیاسی. دولت بغداد هنوز مشخص نکرده چه نقش‌هایی برای این میدان زیر سر دارد. اما زمزمه‌هایی هست که می‌گویند بغداد می‌خواهد مسیر نفت خروجی این میدان را به کلی عوض کند. به شکلی که نفت آن دیگر نه به ترکیه، بلکه با خط لوله‌ای به جنوب عراق برود. اینکه هدف از این کار چیست هنوز مشخص نیست. «اکونومیست» در گزارشی از وضع این منطقه، ایده‌های دولت عراق درباره کرکوک را بسیار «مبهم» توصیف کرده و نوشته است ظاهراً دولت می‌خواهد نفت خام را از آنجا به بصره بفرستد. این کار مستلزم احداث خط لوله جدید است و از همین رو بسیار گران قیمت تمام می‌شود. اما ترکیه خواب‌های دیگری برای خط لوله کرکوک-جیحون دیده است. این کشور اکنون، اقتصادی در حال رشد دارد و برای تضمین رشد پایدار اولین گام تامین و تضمین انرژی است. دولت ترکیه نزدیک‌ترین منبع انرژی به خود را مطمئناً خاورمیانه می‌داند. ایران و عراق، دو کشوری که با ترکیه مرزهای مشترک طولانی و سابقه همکاری دیرینه دارند، هر دو بر گنجی از ذخایر انرژی نشسته‌اند. (روزنامه شرق، ۱۳۹۱:۴)

در عراق، نقش ترکیه در حال تغییر است. تا چندی پیش دولت ترکیه که در شرق با کردها درگیر است چندان تمایلی به پذیرش و مراوده با کردهای عراق نداشت. تنها روابط استراتژیک این دو در این بود که ترکیه از چهره‌های میانه روی کردستان عراق می‌خواست در درگیری میان ترکیه و کردستان نقش میانجی را ایفا کنند. اما تغییر روابط منطقه‌ای، منجر به تغییر در روابط بغداد-آنکارا شده است. مهمترین اختلاف میان دو دولت بر سر پیوندهای استراتژیک منطقه‌ای است. دولت شیعه آقای مالکی به ایران

نزدیک است و از دولت بشار اسد در سوریه حمایت می‌کند. در حالی که ترکیه از آغاز درگیری‌ها در سوریه، موضعی کاملاً ضد اسد اختیار کرد و بحران به آنجا رسید که ترکیه از ناتو درخواست کرد در مرزهای ترکیه و سوریه سپردفاع موشکی پاتریوت نصب کند. درخواستی که بلافاصله از جانب ناتو اجابت شد. اختلاف سیاسی با بغداد، ترکیه را هرچه بیشتر به سمت کردستان عراق می‌کشد. نفت و گاز نخستین انگیزه و البته بهترین اهرم فشار برای مواجهه با بغداد است. به گزارش «اکنونمیست» در سال گذشته تجارت میان کردستان عراق و ترکیه به رقمی بالغ بر هشت میلیارد دلار رسید. همچنین شرکت‌های نفتی ترکیه همراه شرکت‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی، قراردادهایی مستقل با کردستان امضا کردند. یک «مقام آگاه» در اربیل به «اکنونمیست» گفته است: «ترکیه در روابطش با ما تغییری استراتژیک داده است. سناریو هرچه باشد، بازار ما ترکیه است.» (کنندال عصمت و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹)

تیره شدن روابط بغداد- آنکارا را می‌توان از اعطای پناهندگی به طارق هاشمی، سیاستمدار قدرتمند سنی عراق دریافت، که پس از محکومیت به مرگ با چوبه دار از عراق گریخت به قطر و سپس به ترکیه رفت. آقای هاشمی در دادگاهی در بغداد غیابا و به دلیل دست داشتن در حملات علیه نیروهای امنیتی و شیعیان به مرگ محکوم شد و ترکیه به او پناهندگی سیاسی اعطا کرد. (روزنامه شرق، ۱۳۹۱: ۴)

مجادلات کردستان و دولت مرکزی به آنجا رسیده که آقای مالکی سهم کردستان از عایدات نفتی را پرداخت نمی‌کند. به نظر آقای مالکی، گرچه فدرالیسم در قانون اساسی آمده است اما در وضعیت شکننده کنونی سیاست‌های نفتی کردستان می‌تواند به تجزیه عراق بینجامد. در نظر آقای مالکی اگر کردستان اینگونه در سیاست‌های نفتی خود با دست باز عمل کند می‌تواند جنوب را نیز به آشوب بکشد. جنوب عراق نیز پر نفت است و ترس دولت مرکزی از این است که استان‌های جنوبی نیز همین رویه را در پیش گیرند.

در میان شرکت های نفتی طلبکار از کردستان یکی نیز شرکت «گنل انرژی» ترکیه است. یکی از مقام های ارشد این شرکت می گوید: «این که نفت استخراج کنید و پول آن را از دولت مرکزی عراق بخواهید، مثل این است که نفت را درون سیاه چال پمپاژ کنید». (السن، ۱۳۸۷: ۱۰۲)

جالب آنکه غرب در دعوی اخیر با آقای مالکی همراه است. دولت های غربی از این ترس دارند که از میان رفتن یکپارچگی عراق به قدرت گرفتن ایران منجر شود. «اکنونمیست» نقل کرده است که دولت آمریکا مصرأ بر ترکیه فشار می آورد که از حمایت خود از کردها بکاهد. (روزنامه شرق، ۱۳۹۱: ۴)

روزنامه «حریت» ترکیه در مطلبی می نویسد «اگر انرژی در جایی وجود دارد، آن گاه باید آن را استخراج کرد و به جایی که به آن نیاز دارند فرستاد. سرنوشت همین است» اشاره این مطلب به استخراج نفت ترکیه در کردستان و انتقال آن از طریق خط لوله کرکوک- جیحون به ترکیه و سپس به غرب است. اما در این مطلب که سه هفته پیش در حریت چاپ شده، نویسنده از مقام های ترک می خواهد که شمال عراق را به بهانه های سیاسی متشنج نکنند و اگر حقیقتاً قصدشان تامین انرژی است با تمام عراق از در صلح درآیند: «ترکیه باید در شمال عراق سرمایه گذاری کند، اما در عین حال جنوب را نیز از نظر دور ندارد.» همچنین «حریت» در مطلبی که در شماره ۱۳ فوریه (۴ روز پیش) منتشر کرد از قول سفیر ایالات متحده در آنکارا نوشته است «آمریکا ترکیه را پل انرژی خود به عراق می داند. (جی مارتین، ۱۳۸۳: ۲۳۲) و به این امر خوشبین است.» آقای سفیر از قول رییس جمهوری آمریکا گفته معلوم نیست که حمایت ترکیه از کردهای عراق تا کی دوام بیاورد. مطلب حریت به نگرانی «آمریکا و عراق» از پیوندهای آنکارا و کردستان اشاره کرده و می نویسد، تنش های اخیر و روابط نفتی آنکارا - اربیل اعتراض آمریکا به ترکیه را در پی داشته است. «اکنونمیست»، بازی ترکیه و عراق و کردستان را «بازی خطرناک» خوانده است که نتیجه آن با روال کنونی «به نفع هیچکس نیست».

نتیجه گیری:

در مورد ترکیه «مسئله کرد»، یا به قول ترک‌ها «واقعیت کرد»، دردناک‌ترین و بغرنج‌ترین مسئله‌ای است که دولت‌مردان ترک از زمان تأسیس جمهوری ترکیه با آن روبه‌رو بوده‌اند. ترکیه مدرن هرگز مفهوم اقلیت کردی را در کنار حقوق اقلیت‌ها نپذیرفت. این مسأله و ناآرامی‌های صورت گرفته از جانب پ.ک.ک، تهدیدات امنیتی متعددی را متوجه ترکیه ساخته است. درگیری بین نیروهای امنیتی ترکیه و چریک‌های پ.ک.ک تلفات انسانی زیادی را بر جای گذاشته، بالغ بر ۳۰ هزار نفر کشته و تعداد بیشتری بی‌خانمان شده‌اند. درگیری‌های مزبور موجب آسیب‌پذیری ترکیه شده است و روابط ترکیه با همسایگان، جهان غرب و مخصوصاً روابط این کشور با اتحادیه اروپایی را متزلزل نموده است. غرب و در رأس آن اتحادیه اروپایی بر لزوم رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت کرد در چارچوب قوانین ترکیه تأکید می‌کنند. از طرف دیگر هزینه‌های سنگین نظامی، که صرف سرکوب مخالفین می‌شود، در کنار روابط بی‌ثبات با کشورهای همسایه، اقتصاد این کشور را دچار بحران کرده، موجب تحمیل کسری بودجه و تورم بالا شده و ظرفیت سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و تأسیسات زیربنایی را کاهش داده است.

با در نظر گرفتن شرایط جدید منطقه‌ای می‌توان گفت مسأله کردهای ترکیه همچنان لاینحل باقی خواهد ماند. ترکیه از یک سو تحت فشار اروپا ناگزیر است حقوق کردها را به رسمیت بشناسد و از سوی دیگر شاهد سیل مطالبات کردها از داخل می‌باشد. هیچ دورنمای امیدوار کننده‌ای مبنی بر اینکه فشارهای داخلی و بین‌المللی به ترکیه در مورد مسأله کردها پایان خواهد یافت، دیده نمی‌شود. علاوه بر این، مسأله کردها همچون نقطه ضعفی برای دولت‌های ترکیه از گذشته تا به حال بوده است. قدرت‌های بیرونی و همسایگان این کشور همواره از «برگ کردی»، برای اعمال فشار بر این کشور استفاده کرده‌اند.

اگرچه دولت فعلی ترکیه روابط بهتری نسبت به دولت‌های قبلی ترکیه با کردها دارد، اما «مساله کردی» یکی از مهمترین مشکلات این دولت در روابط خارجی‌اش می‌باشد. مقامات آنکارا به روشنی می‌دانند که هر نوع مذاکره‌ای برای عضویت در اتحادیه اروپایی، بدون حل مشکل جدایی‌طلبان کرد و تأمین حقوق شهروندی این اقلیت عظیم، هیچ نتیجه‌ای در بر ندارد. مسئله کردها در سال‌های اخیر مهمترین چالش پیش روی مقامات ترک در گشودن باب اتحادیه اروپایی بوده است.

در نظر سیاستمداران ترک، کردستان عراق مستقل در آینده نزدیک یک واقعیت غیر قابل انکار بوده لذا ایجاد رابطه نزدیک و استفاده از نفوذ اقتصادی، موقعیت جغرافیایی و تلاش برای وابسته کردن اقلیم کردستان در آینده می‌تواند جای پای محکمی برای ترکیه ایجاد نماید. از طرفی استقلال کردستان عراق می‌تواند همسایه قدرتمند جنوبی ترکیه را تجزیه نموده و زمینه ایجاد سلطه و نفوذ ترکیه را فراهم نماید. (جی مارتین، ۲۳۲:۱۳۸۳)

مذاکره ترکیه با پ.ک.ک و سفر آتی اردوغان به آمریکا با دستور کار کردی این فرضیه را برجسته نموده است که ترکیه سیاست خط قرمز را کنار گذاشته و می‌خواهد با امتیاز دهی به کردها مساله مهم امنیتی خود را حل نموده و علاوه بر این از پتانسیل کردها بر علیه کشورهای منطقه بویژه عراق استفاده نماید. لذا بنظر می‌رسد در چنین شرایطی با توجه به غیبت جلال طالبانی از صحنه سیاسی عراق، تظاهرات سنی‌ها علیه حکومت مرکزی و استیضاح نوری المالکی در آینده نزدیک فرضیه تجزیه عراق در چنین شرایطی برجسته می‌شود. در نهایت می‌توان گفت ترکیه بازی بسیار خطرناکی را در منطقه شروع کرده که هنوز بازنده و برنده آن مشخص نیست ولی حتم یقین آنکه کنترل کردهای داخل ترکیه در صورت حضور اقلیم کردستان مستقل و توسعه یافته به خاطر منابع غنی انرژی بسیار سخت خواهد بود. (کریمی، ۱۳۹۱)

منابع:

- آیت محمدی (۱۳۸۲)، سیری در تاریخ سیاسی کرد، انتشارات پرسمان
- السن، رابرت (۱۳۸۰)، مسأله کرد و روابط بین ایران و ترکیه، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات پانید، چاپ اول
- ابریشمی، عبدالله (۱۳۸۰)، مسأله‌ی کرد در خاورمیانه و عبدالله اوجالان، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات توکلی
- بئوارالیم (۱۳۷۸)، آخرین مستعمره: بحران کردستان ترکیه از آغاز تاکنون، تهران، پژوهنده
- جی مارتین، لی نور (۱۳۸۳)، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی
- کنال عصمت، شریف وانلی، مصطفی نازدار (۱۳۸۷)، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر روزبهان
- میرنیا، علی (۱۳۶۸)، ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران، ناشر نسل دانش، ایران،
- نوری پاشا، احسان جنبش ملی کرد در ترکیه، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات پانید

مقالات

- کریمی، محمود (۱۳۹۱)، سیاست ترکیه در اقلیم کردستان و آینده سیاسی عراق، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC)
- غلامی، طهمورث (۱۳۹۱)، شمشیر دو لبه: تعاملات کردستان عراق و ترکیه، مرکز

بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC)

- نقدی نژاد، حسن (۱۳۸۷)، نبرد بی‌پایان؛ مبارزه ترکیه با کردها، معاونت پژوهش-
های سیاست خارجی / گروه مطالعات اروپا و آمریکا

خبرگذاری

- باشگاه اندیشه، (۱۳۹۲)، کردهای عراق و ترکیه، جنگی برای آینده
- روزنامه شرق، ۲۹ بهمن (۱۳۹۱) شماره ۱۶۷۴، صفحه ۴ (اقتصادی)
- خبرگزاری بین‌المللی کرد پرس (۱۳۹۱)، محمد بهرامی، استلزامات سیاست خارجی
ترکیه در کردستان عراق

